

مطالعه محیط اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی*

میرعبدا. حسینی

(فوق لیسانس اقتصاد «موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی»)

و حید پزنگی

(دکتری روابط بین الملل، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران)

همچنین به تحقق خواست این کشورها مبنی برداشتن سهمی متناسب در تجارت جهانی کمک خواهد کرد. البته در فرآیند مراحل تکاملی ترتیبات منطقه‌ای اقتصادی، سطح توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها حایز اهمیت ویژه‌ای است. کشوری ممکن است از لحاظ اقتصادی و توانمندی‌های مادی آمادگی این انتقال منطقه‌ای را یافته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز حادث نشده باشد؛ بنابراین در صورت حضور در همپوندی اقتصادی منطقه‌ای، عدم توسعه سیاسی و یا عدم هماهنگی سیاسی با دیگر اعضای منطقه ممکن است مانع از کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. بدین خاطر است که این فرآیند، یک فرآیند چند بعدی است و باید به‌طور متوازن در سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد و به‌ویژه، هنگامی که کشورها تلاش دارند رفتارهای خود را با الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ کنند، این توازن در مورد سطوح مختلف توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

اغلب کشورهای واقع در جهان اسلام با در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه قابل توجه، مدت‌هاست که در مسیر ترتیبات اقتصادی-تجاری منطقه‌ای متعدد نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان همکاری اقتصادی، گروه ۸ کشور در حال توسعه اسلامی و... گام نهاده‌اند.

وجود این ترتیبات گواه بر انگیزه‌ها و تمایلات موجود این کشورها در این زمینه است. ولی متأسفانه در مقایسه با کوشش‌های بسیاری که از سوی اغلب این کشورها بعمل آمده است، تاکنون پیشرفت متناسب و در خور توجهی در آن ترتیبات حاصل نشده است.

۲- شاخص‌های اقتصاد کلان

بین الملل کشورهای عضو
سازمان کنفرانس اسلامی

۱-۲- محیط جغرافیایی سازمان

کنفرانس اسلامی

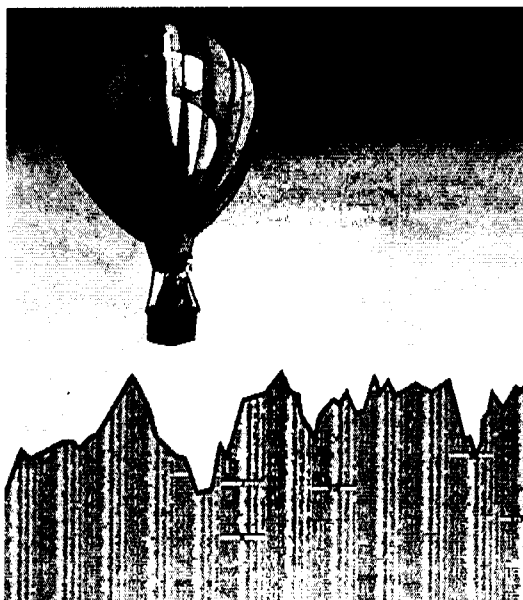
در بسیاری از گروه‌بندی‌های منطقه‌ای، اعضا از نظر جغرافیایی به هم

مقاله حاضر با هدف ارزیابی محیط اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به رشته تحریر درآمده است. منظور از محیط اقتصاد کلان بین الملل کشورها، در واقع تبیین شرایط و فضای اقتصادی کشورها با محوریت بخش خارجی آن است که به اصطلاح از آن اقتصاد کلان بین‌المللی یاد شده است. در این مقاله، به منظور تبیین این شرایط و فضای، به ارائه، تحلیل و تطبیق مجموعه شاخص‌های مرتبط با اقتصاد کلان این کشورها بسنده شده است.

۱- مقدمه

در عصر جهانی شدن، توسعه اقتصادی دیگر یک مقوله صرفاً ملی نیست و کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی، به ناچار باید زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع بین‌المللی را فراهم کنند. چگونگی تمهید این سازوکار جهت استفاده از منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهمترین مقولاتی است که امروزه پیش روی تمامی کشورها به‌ویژه ممالک در حال توسعه و کشورهای دنیای اسلام قرار دارد. همین توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی میان این کشورها، یکی

از علل تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی بوده و این موضوع در بیانیه‌ها و موافقتنامه‌های این سازمان مورد تأیید قرار گرفته است. کنفرانس‌های برگزار شده اخیر نیز خواستار تجدید تلاش‌ها در جهت تقویت این همکاری‌ها و توسعه تجارت میان کشورهای عضو سازمان از طریق ایجاد بازار مشترک اسلامی بوده است. تشکیل چنین بازاری از یک طرف موجب تحرک بخشیدن به همکاری بازرگانی-اقتصادی میان کشورهای عضو و گسترش صلح و رفاه در سراسر کشورها و از طرف دیگر باعث سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورها در نظام تجارت بین‌الملل خواهد شد. این امر،



نزدیک هستند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می تواند تغییر یابد. با این حال، تغییر هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی، هوایی) می تواند معادلات ما درباره اهمیت فاصله زمینی، آبی و غیره بین اعضای گروه بندی های منطقه ای را برهم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با سایر هزینه ها، باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه بندی منطقه ای می شود. با وجود این، نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل و نقل تنها عوامل تعیین کننده در تعیین اعضای یک گروه بندی منطقه ای نیستند؛ هزینه حمل و نقل فقط جزئی از کل هزینه های معاملاتی است و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرف های بالقوه، هزینه معامله با آن ها فرق می کند.

نزدیکی جغرافیایی کشورها نه تنها می تواند باعث تسهیل و ارزان تر شدن معاملات اقتصادی آن ها شود، بلکه ممکن است موجب برخی ویژگی های اقتصادی مشترک از نظر منابع، آب و هوا و غیره بین این کشورها نیز باشد. در اکثر گروه بندی های منطقه ای، اعضا در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند، ولی در تعدادی از این گروه بندی ها نیز برخی از اعضا فاصله ای زمینی یا آبی با دیگران دارند، به طوری که نمی توان فاصله جغرافیایی را پدیده غیر متعارفی در گروه بندی های جغرافیایی دانست.

عده ای استدلال کرده اند که فاصله جغرافیایی باعث پیچیده تر و مشکل تر شدن اداره یک گروه بندی منطقه ای می شود. این استدلال ممکن است در وهله اول قانع کننده به نظر برسد ولی روشن است که یک مانع مطلق نمی تواند باشد. حتی برخی کشورها نیز بوسیله آب یا سایر کشورها دچار از هم گسیختگی شده اند و همه امپراتوری ها که اولین اتحادیه های گمرکی بودند، دچار پراکندگی جغرافیایی بودند.

بنابراین، اگر چه فاصله جغرافیایی تا حدودی باعث دشوارتر شدن کنترل و اداره یک منطقه می شود، ولی نمی توان آن را یک مساله لاینحل تلقی کرد. تغییر شیوه های حمل و نقل و در نتیجه هزینه های حمل و نقل باعث تغییر اهمیت نزدیکی یا فاصله جغرافیایی و در نتیجه باعث تغییر اعضای مناسب برای یک گروه بندی منطقه ای می شود. سازمان تجارت جهانی بارزترین استثناء در مورد این قاعده است که فقط کشورهای همجوار به آزادسازی و قانونمندی تجارت بین خود علاقه دارند. به هر حال، اگر چه تقریباً تمام گروه بندی های منطقه ای با معیار جغرافیایی درگیر هستند، ولی تنها این معیار نیست که اعضای یک گروه بندی منطقه ای را تعیین می کند.

سازمان کنفرانس اسلامی با داشتن ۵۷ کشور عضو، بزرگترین سازمان فرامنطقه ای (بین المللی) خارج از سازمان ملل است که بعد از "سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی" بزرگترین سازمان از لحاظ وسعت و از طرفی پرجمعیت ترین سازمان فرامنطقه ای بشمار می آید. به رغم اهمیت تجارت بین اعضای سازمان، داده های آماری تجاری گویای آن است که سهم صادرات اعضای این سازمان با یکدیگر از ۱۰ درصد صادرات کل این کشورها به بازارهای جهانی تجاوز نمی کند. جدول (۱)، برخی ویژگی ها و مشخصات عمومی ۵۷ کشور عضو سازمان را نشان می دهد. این سازمان از لحاظ گستره جغرافیایی در قاره های آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا پراکنده شده است؛ در واقع یک سازمان فرامنطقه ای محسوب می شود و البته مرکزیت اکثر واحدهای سیاسی عضو آن به خاورمیانه (شمال آفریقا و غرب آسیا) تعلق دارد. از ۵۷ کشور عضو این سازمان از لحاظ سطح درآمدی، بیش از نصف اعضا (۲۸ کشور) در سطح درآمدی کم قرار دارند و تنها ۱۱ کشور با سطح درآمد متوسط و بالاتر بوده اند و بقیه در سطح درآمدی متوسط به پایین

قرار دارند. بدین ترتیب در حقیقت کشورهای عضو این سازمان از حیث جغرافیایی بسیار پراکنده و وسیع و از لحاظ سطح درآمدی نیز ناهمگون و اساساً فقیر و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند.

یکی از ابعاد قابل توجه در بررسی فرآیند ادغام، پتانسیل اقتصادی مناطق است. پتانسیل اقتصادی یک منطقه در واقع ارزیابی اندازه بازارهای مناطق بر اساس درآمدهای بالقوه بازار آن هاست که توسط هزینه های دسترسی به این مناطق تعدیل می شوند. روش پتانسیل اقتصادی ابتدا توسط کلارک (۱۹۶۹) ارائه شد. سپس توسط کیبل (۱۹۸۸ و ۱۹۸۲) توسعه یافت. بنابراین اگر منطقه Z دارای درآمد منطقه ای ZY باشد و هزینه های حمل و نقل بین مناطق Z و A را با C_{ij} نشان دهیم، پتانسیل اقتصادی منطقه A بوسیله کل درآمدهای تمام مناطق دیگر Z تعیین می شود که با هزینه فاصله بین آن ها (C_{ij}) تعدیل می شود: $P_i = Y_i / f(C_{ij})$

هزینه های حمل و نقل شامل کل هزینه های مستقیم و غیر مستقیم (از جمله تراکم و زمان انتظار و عبور از مرزهای جغرافیایی که مستلزم تعرفه و بازرسی های / تشریفات گمرکی است) می شود. کلارک و کیبل توانستند تغییرات مطلق افزایش پتانسیل اقتصادی ناشی از حذف تعرفه هنگام تشکیل اتحادیه گمرکی معاهده رم را پیش بینی کنند و توزیع منافع حاصل از آن در قسمت های مختلف اتحادیه را نشان دهند.

برای تفسیر نتایج اقتصادی، اندازه دو تغییر اساسی مهم در طی زمان ضروری است: (۱) تغییر در سطح مطلق پتانسیل اقتصادی مناطق و (۲) تغییر در پتانسیل اقتصادی نسبی هر منطقه نسبت به بالاترین پتانسیل در منطقه. کیبل نشان داده که فرآیند ادغام و بهبود امکانات دستیابی به مناطق به ایجاد منطقه مرکزی کمک می کند و پتانسیل اقتصادی نسبی مناطق محیطی (پیرامونی) روبه کاهش می گذارد؛ و پیشرفت ادغام باعث افزایش مقادیر مطلق بیشتری برای مناطق پیرامونی جدید شده در صورتی که برای مناطق مرکزی تر افزایش مطلق کمتری در بر دارد. (۱)

پس هر چه فاصله جغرافیایی کشورها افزایش یابد، پتانسیل تجاری و امکان مبادله دو جانبه میان آن کشورها رو به کاهش می گذارد و بالعکس. بدین ترتیب، برای آنکه به نحوی معیار فاصله جغرافیایی را در توسعه ترتیبات تجاری منطقه ای سازمان منظور شود، برای عضویت کلیه کشورهای نزدیک به هم به مرکزیت خاورمیانه، امتیاز مناسبی مد نظر قرار گرفت و بعد کشورهای واقع در منطقه جنوب آسیا، جنوب صحرای آفریقا و اروپا دارای امتیاز متوسط، و بقیه کشورهای واقع در آمریکا و عضو سازمان، حداقل امتیاز را بدست می آورند. به این ترتیب فاصله جغرافیایی به عنوان متغیری اثرگذار بر توسعه تجارت منطقه ای در بین کشورهای عضو بایستی مدنظر قرار گیرد.

۲-۲- شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

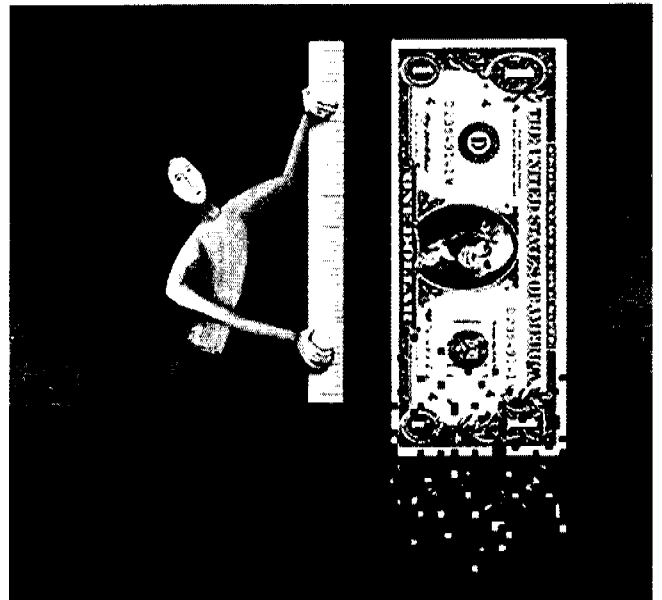
در باب توسعه، نظریه ها و مکاتب اقتصادی با بینش ها و دیدگاه های مختلفی پا به عرصه ظهور گذارده اند و در راستای رشد و توسعه اقتصادی، راهبردها، سیاست ها و برنامه های مختلف توسعه ای بکار گرفته شده است. برای ارزیابی توسعه کشورها در سال های بعد از جنگ جهانی دوم، شاخص های مختلفی معرفی شده که یکی از جدیدترین و کامل ترین آن ها، شاخص توسعه انسانی است که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ در گزارش توسعه انسانی "برنامه عمران سازمان ملل متحد" (UNDP) معرفی و استفاده شد؛

جدول (۱): ویژگی‌ها و مشخصات عمومی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

ردیف	فارسی	لاتین	کد کشور فایرو	پایسکد	منطقه جغرافیایی	سطح درآمدی	یون مانی	سال عضویت
۱	افغانستان	Islamic state Afghanistan	AFG	کابل	جنوب آسیا	کم درآمد	افغانی	۱۹۷۹
۲	آلبانی	Republic of Albania	ALB	تیرانا	اروپای آسیای مرکزی	درآمد کمتر از متوسط	لک آلبانی	۱۹۹۱
۳	الجزایر	Peoples Democratic Republic of Algeria	DZA	الجزیره	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	دینار الجزایر	۱۹۶۹
۴	آذربایجان	Republic of Azerbaijan	AZE	باکو	اروپا و آسیای مرکزی	کم درآمد	مینات آذربایجان	۱۹۹۱
۵	بوسنی و هرزگوین	Bosnia and Herzegovina	BIH	سارایوو	اروپای آسیای مرکزی	درآمد کمتر از متوسط	مارک بوسنی	۱۹۹۶
۶	بحرین	Kingdom of Bahrain	BHR	منامه	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	دینار بحرین	۱۹۷۰
۷	بنگلادش	Peoples Republic of Bangladesh	BGD	دای	جنوب آسیا	کم درآمد	تانگا	۱۹۷۲
۸	بنین	Republic of Benin	BEN	پورتو نوو	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۸۲
۹	برونئی دارالسلام	Negara Brunei Darussalam	BRN	بندر سری بگوان	شرق آسیا و اقیانوس آرام	پر درآمد	دلار برونئی	۱۹۸۴
۱۰	بورکینافاسو	Burkina faso	BFA	اواکادوگو	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۷۵
۱۱	کامرون	Republic of Cameroon	CMR	یاوندی	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۷۵
۱۲	چاد	Republic of Chad	TCO	نجامنا	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۶۹
۱۳	کومور	Federal Islamic Republic of the comoros	COM	مورونی	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک کومور	۱۹۷۴
۱۴	گیبوتی	Republic of Dgibouti	DGI	موسوبی	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	فرانک گیبوتی	۱۹۷۸
۱۵	مصر	Arab Republic of Egypt	EGY	قاهره	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	پوند مصر	۱۹۶۹
۱۶	گابن	Republic of Gabon	GAB	لیبرویل	جنوب صحرائی آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	فرانک CFA	۱۹۷۴
۱۷	گامبیا	Republic of The Gambia	GMB	بانجول	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	دالاسی	۱۹۷۴
۱۸	گینه	Republic of Guinea	GIN	کوناکری	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک گینه	۱۹۶۹
۱۹	گینه بیسائو	Republic of Guinea-Bissau	GNB	بیسائو	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۷۴
۲۰	گویان	Co-operative Republic of Guyana	GUY	جورج تاون	امریکای لاتین و کارائیب	درآمد کمتر از متوسط	دلار گویان	۱۹۹۹
۲۱	اندونزی	Republic of Indonesia	IDN	جاکارتا	شرق آسیا و اقیانوس آرام	کم درآمد	روپیه اندونزی	۱۹۶۹
۲۲	ایران	Islamic Republic of Iran	IRN	تهران	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	ریال ایران	۱۹۶۹
۲۳	عراق	Republic of Iraq	IRQ	بغداد	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	دینار عراق	۱۹۷۶
۲۴	اردن هاشمی	Hashemite kingdom of Jordan	JOR	عمان	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	دینار اردن	۱۹۶۹
۲۵	قزاقستان	Republic of Kazakhstan	KAZ	المانی	اروپا و آسیای مرکزی	درآمد کمتر از متوسط	تنگه قزاقستان	۱۹۹۵
۲۶	کویت	State of Kuwait	KWT	کویت	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	دینار کویت	۱۹۶۹
۲۷	قرقیزستان	Kyrgyz Republic	KGZ	بشکک	اروپای آسیای مرکزی	کم درآمد	سوم قرقیزستان	۱۹۹۲
۲۸	لبنان	Republic of Lebanon	LBN	بیروت	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	پوند لبنان	۱۹۶۹
۲۹	لیبی	Great Socialist peoples Libyan Arab Jamahiriya	LYB	طرابلس	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	دینار لیبی	۱۹۶۹
۳۰	مالزی	Malaysia	MYS	کوالالمپور	شرق آسیا و اقیانوس آرام	درآمد بالاتر از متوسط	رینگیت	۱۹۶۹
۳۱	مالدیو	Republic of Maldives	MDV	هاله	جنوب آسیا	درآمد کمتر از متوسط	روپیه مالدیو	۱۹۷۶
۳۲	مالی	Republic of Mali	MLI	باماکو	جنوب صحرائی آسیا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۶۹
۳۳	موریتانی	Islamic Republic of Mauritania	MRT	نواکشوت	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	اواگویا	۱۹۶۹
۳۴	مراکش	Kingdom of Morocco	MAR	ریات	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	درهم مراکش	۱۹۶۹
۳۵	موزامبیک	Republic of Mozambique	MOZ	ماپولو	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	متیکایی	۱۹۹۴
۳۶	نیجر	Republic of Niger	NER	نیامی	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۶۹
۳۷	نیجریه	Federal Republic of Nigeria	NGA	لاگوس	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	نایرا	۱۹۸۶
۳۸	عمان	Kingdom of Oman	OMN	مسقط	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	ریال عمان	۱۹۷۰
۳۹	پاکستان	Islamic Republic of Pakistan	PAK	اسلام آباد	جنوب آسیا	کم درآمد	روپیه پاکستان	۱۹۶۹
۴۰	فلسطین	Palestine	PAL	بیت المقدس	خاورمیانه و شمال آفریقا	کم درآمد		۱۹۶۹
۴۱	قطر	State of Qatar	QAT	دوحه	خاورمیانه و شمال آفریقا	پر درآمد	ریال قطر	۱۹۷۰
۴۲	عربستان سعودی	Kingdom of Saudi Arabia	SAU	ریاض	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	ریال عربستان	۱۹۶۹
۴۳	سنگال	Republic of Senegal	SEN	دکالر	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۶۹
۴۴	سیرالئون	Republic of Sierra Leone	SLE	فری تاون	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	لئون	۱۹۷۲
۴۵	سومالی	Somalia	SOM	موگادیشو	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	شیلینگ سومالی	۱۹۶۹
۴۶	سودان	Republic of the Sudan	SDN	خارطوم	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	دینار سودان	۱۹۶۹
۴۷	سورینام	Republic of Suriname	SUR	پاراماریبو	امریکای لاتین و کارائیب	درآمد کمتر از متوسط	گنلدر سورینام	۱۹۶۹
۴۸	سوریه	Syrian Arab Republic	SYR	دمشق	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	پوند سوریه	۱۹۷۰
۴۹	تاجیکستان	Republic of Tajikistan	TJK	دوشنبه	اروپا و آسیای مرکزی	کم درآمد	سومونئی تاجیکستان	۱۹۹۲
۵۰	توگو	Republic of Togo	TGO	نومه	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	فرانک CFA	۱۹۹۷
۵۱	تونس	Republic of Tunisia	TUN	تونس	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد کمتر از متوسط	دینار تونس	۱۹۶۹
۵۲	ترکیه	Republic of Turkey	TUR	انکارا	اروپا و آسیای مرکزی	درآمد بالاتر از متوسط	لیره ترکیه	۱۹۶۹
۵۳	ترکمنستان	Turkmenistan	TKM	عشق آباد	اروپای آسیای مرکزی	درآمد کمتر از متوسط	مینات ترکمنستان	۱۹۹۲
۵۴	اوگاندا	Republic of Uganda	UGA	کامپالا	جنوب صحرائی آفریقا	کم درآمد	شیلینگ اوگاندا	۱۹۷۴
۵۵	امارات متحده عربی	United Arab Emirates	ARE	ابوظبی	خاورمیانه و شمال آفریقا	درآمد بالاتر از متوسط	درهم امارات	۱۹۷۰
۵۶	ازبکستان	Republic of Uzbekistan	UZB	ناشکند	اروپا و آسیای مرکزی	کم درآمد	سوم ازبکستان	۱۹۹۶
۵۷	یمن	Republic of Yemen	YEM	صنعا	خاورمیانه و شمال آفریقا	کم درآمد	ریال یمن	۱۹۶۹

از آن موقع، این شاخص مورد توجه پژوهشگران اجتماعی - اقتصادی، برنامه‌ریزان، سیاستمداران و دولت‌ها قرار گرفته است. در این شاخص، توسعه انسانی فرآیندی است که دامنه حق انتخاب از سوی مردم را وسعت می‌بخشد، لیکن طی زمان و در هر سطحی از توسعه، سه عامل یا گزینه ضروری برای مردم ملاک قرار می‌گیرد: رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت (امید به زندگی)، کسب علم و دانش (شاخص باسواد) و دسترسی به منابع مورد نیاز و سطح زندگی مناسب و شایسته (قدرت خرید پایه). در صورت نبود این گزینه‌های ضروری، دسترسی به بسیاری از فرصت‌های دیگر ناممکن می‌شود. شاخص توسعه انسانی برای ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، از جدیدترین گزارش توسعه انسانی برای سال ۲۰۰۳ در جدول (۲) درج شده است. مطابق این گزارش، کشورهای مورد بحث (۱۷۳ کشور) به سه سطح از جنبه شاخص توسعه انسانی طبقه‌بندی شده‌اند:

الف - سطح توسعه انسانی بالا: کشورهایی که از سطح سواد، امید به زندگی و قدرت خرید پایه بالاتری برخوردارند، در این گروه واقع شده‌اند. در واقع ارزش عددی شاخص توسعه انسانی کشورهایی که بیش از ۰/۸ است،



جزو گروه کشورهای دارای سطح توسعه انسانی بالا (تعداد ۵۳ کشور) هستند. از مجموعه ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تنها پنج کشور در این سطح از توسعه انسانی قرار دارند که عبارت‌اند از: برونئی دارالسلام با ارزش عددی و رتبه (۰/۸۵۶ و ۳۲)، بحرین (۰/۸۳۱ و ۳۹)، کویت (۰/۸۱۳ و ۴۵)، امارات متحده عربی (۰/۸۱۲ و ۴۶) و قطر (۰/۸۰۳ و ۵۱). کشورهای فوق نیز با ناکارآمدی‌ها و نقصان‌هایی مواجه هستند و بیشتر وفور ثروت و منابع طبیعی خدادادی است که قدرت خرید آن‌ها را ارتقاء داده است. به طور مثال، تفاوت رتبه قدرت خرید پایه (سرانه به دلار بر حسب PPP) با رتبه شاخص توسعه انسانی برای کشورهای مذکور به استثنای برونئی، رقم منفی قابل ملاحظه‌ای است؛ این رقم برای بحرین، کویت، امارات متحده عربی و قطر به ترتیب برابر ۲-، ۱۰-، ۱۹- و ۲۵- است.

ب - سطح توسعه انسانی پائین: مطابق طبقه بندی گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش رقم شاخص توسعه انسانی آن‌ها کمتر از ۰/۵ است، در گروه سطح توسعه انسانی پائین قرار دارند که از ۱۷۳ کشور مورد

بحث آن گزارش، ۳۶ کشور را در بر می‌گیرد. این ۳۶ کشور، اساساً کشورهای هاستند که علاوه بر آنکه از سطح قدرت خرید (تولید سرانه) نازل تری برخوردارند، در سطح آموزش و بهداشت پائینی هم بر سر می‌برند و غالباً سطح بهداشت و آموزش آن‌ها نازل تر از سطح قدرت خریدشان است. از ۳۶ کشور این گروه کشورها، ۲۰ کشور^(۲) عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند، این در حالی است که اطلاعات آماری پنج کشور عضو این سازمان، شامل افغانستان، بوسنی و هرزگوین، عراق، دولت فلسطین و سومالی، در گزارش مذکور ارائه نشده است. قدر مسلم اغلب این ۲۵ کشور به سبب فقر اساسی در آموزش، بهداشت و درآمد، اساساً با بی‌ثباتی‌های بنیادین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند که در آن‌ها فعلاً حکومت مرکزی مقتدری حکمفرما نیست؛ حتی در تریب مناطق که عضویت دارند مشارکت فعالی ندارند و اغلب موافقتنامه‌ها از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیستند.

ج - سطح توسعه انسانی میانه: گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش عددی شاخص توسعه انسانی آن‌ها در دامنه ۰/۸ و ۰/۵ قرار دارد، در گروه سطح توسعه انسانی میانه قرار دارند. مطابق این طبقه‌بندی، تعداد ۸۴ کشور از کشورهای مورد بحث به این گروه تعلق دارند. از این تعداد، ۲۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند که اغلب این ۲۷ کشور در سطوح پائین این گروه (رتبه‌های بیش از ۱۰۰) قرار دارند. در این میان، ایران با احراز ارزش عددی ۰/۷۱۷ رتبه ۹۸ را بدست آورده است که هم‌ردیف کشورهای ازبکستان، تونس و اردن هاشمی است. از ۲۷ کشور عضو این سازمان دارای سطح توسعه انسانی میانه، ۱۲ کشور مالزی، لیبی، عربستان سعودی، سورینام، لبنان، عمان، قزاقستان، مالدیو، ترکیه، ترکمنستان، آذربایجان و آلبانی از سطح انسانی بالاتر از رتبه ایران قرار دارند.

گفتنی است غالب کشورهای عضو این سازمان بر مبنای شاخص برابری در قدرت خرید (تولید سرانه) رتبه به مراتب بالاتری از رتبه شاخص توسعه انسانی دارند؛ به عبارتی در کشورهای عضو سازمان شاخص سطح آموزش و بهداشت از شاخص تولید سرانه پائین تر بوده است. این مساله در مورد بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌ای عضو سازمان کنفرانس اسلامی موضوعیت دارد، البته در این میان کشورهای واقع در آسیای مرکزی و قفقاز عضو نظر ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان از شاخص سطح آموزش و بهداشت به مراتب بالاتر از شاخص تولید سرانه برخوردار بوده‌اند.

۲-۳- اندازه جمعیت

اندازه جمعیت یکی از عوامل مهم در بررسی گروه‌بندی منطقه‌ای است، چرا که با پشتوانه قدرتی که برای کشورها به وجود می‌آورد، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، اندازه جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آن‌ها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی کاملاً مسلط است و گاه وزن کشور مسلط با مجموع وزن سایر کشورهای عضو خنثی می‌شود. با این حال، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آن‌ها سنجید بلکه به درآمد آن‌ها نیز باید توجه کرد.

یک مساله مهم دیگر اندازه کل جمعیت اعضای یک گروه‌بندی منطقه‌ای است، چرا که کل جمعیت یک گروه‌بندی بر ساختار و پایداری آن، و وزن و نقش آن در سطح بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. کشورهای عضو سازمان با دارا بودن جمعیت ۱/۲۱۷ میلیارد نفر بالغ بر

۲۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جا داده‌اند؛ این سازمان از نظر جمعیت یکی از بازیگران اصلی است و وزن مهمی در میان دیگر ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای دارد. از میان کشورهای عضو این سازمان، بالاترین جمعیت به کشورهای اندونزی، بنگلادش، پاکستان، نیجریه، ایران، مصر و ترکیه تعلق دارد؛ این ۷ کشور بیش از ۶۶/۵ درصد از کل جمعیت سازمان را تشکیل می‌دهند. پیش‌بینی می‌شود بسیاری از کشورهای عضو طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۰ میزان رشد جمعیت بالایی داشته باشند. در این میان میزان رشد جمعیت عمان، سیرالئون، اوگاندا، یمن، عربستان سعودی، موزامبیک و چاد بیش از ۳ درصد برآورد می‌شود. کشورهایی که میزان رشد کمتر از یک درصد داشته‌اند عبارت‌اند از قزاقستان، گویان، آلبانی، آذربایجان و جیبوتی. در واقع میزان رشد جمعیت بسیاری از کشورهای عضو حول و حوش ۲ درصد است که انتظار می‌رود با این میزان رشد سهم جمعیتی آن‌ها از کل جمعیت جهان بیشتر شود. نکته پایانی اینکه هیچ وقت نباید وزن کشورها یا ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای را فقط با جمعیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار داد؛ این معیار در کنار قدرت اقتصادی و تولید ناخالص ملی بیشتر مفهوم می‌یابد که در ادامه، به این شاخص‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۴- اندازه اقتصاد (تولید ناخالص ملی) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام بین گروهی از کشورها مورد استفاده قرار داد، اندازه تولید ناخالص ملی کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه تولید ناخالص داخلی به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آن‌ها افزایش می‌یابد (هلپمن، ۱۹۸۷)، برای نمونه، اگر یک دنیای سه‌کشوری را در نظر بگیریم که تولید ناخالص داخلی آن‌ها به ترتیب ۱۰، ۱۰۰ و در مجموع ۱۲۰ باشد، پس حداکثر مقدار صادرات در این دنیا ۴۰ خواهد بود؛ یعنی کشورهای کوچک تمام تولید ناخالص داخلی خود را صادر و به همان مقدار وارد می‌کنند. اما اگر تولید ناخالص داخلی هر کشور ۴۰ باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود. پس وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصادی به هم نزدیک باشند، واردات تولیدات متنوع‌تر بیشتر می‌شود.

در اینجا باید گفت که از نظر تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و تولید کل، در درون و میان گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد، ولی این تفاوت در مورد درآمد سرانه نسبتاً کمتر است. برای ارزیابی اهمیت یک گروه‌بندی منطقه‌ای برای اقتصاد جهانی و برای اعضای آن گروه‌بندی، هر دو معیار جمعیت و تولید را باید در نظر گرفت. اندازه این گروه‌بندی نسبت به کشورهای عضو آن نیز باید توجه قرار گیرد: حتی وقتی که یک گروه‌بندی منطقه‌ای کوچک است، آیا آن قدر بزرگ‌تر از اعضای خود هست که همکاری دسته‌جمعی باعث افزایش چشمگیر قدرت آن‌ها شود؟ در جدول (۳)، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان بر حسب دلار آمریکا و شاخص برابری در قدرت خرید (PPP) برای سال ۲۰۰۰ درج شده است. مطابق این داده‌ها، کل تولید ناخالص داخلی سازمان در سال ۲۰۰۰، ۳۷۱۸ میلیارد دلار است؛ متوسط سهم تولید ناخالص داخلی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی از تولید جهانی برای دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۷ حدود ۴/۳ درصد بوده است که در مقایسه با سهم آن‌ها از جمعیت جهانی به مراتب پائین‌تر است. در میان کشورهای عضو سازمان، تولید ناخالص داخلی هشت کشور اندونزی، ترکیه، ایران، پاکستان، مصر،

عربستان سعودی، مالزی و بنگلادش هر یک بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار است که جمعاً ۷۰/۶ درصد از کل تولید ناخالص داخلی سازمان را تشکیل می‌دهند. در مقابل، تولید ناخالص داخلی ۲۷ کشور از کشورهای عضو این سازمان کمتر از ۲۰ میلیارد دلار است که از این نظر به عنوان بازیگران مهم و اثرگذار در این سازمان محسوب نمی‌شوند.

۲-۵- تولید سرانه (قدرت خرید پایه) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

تولید ناخالص داخلی سرانه به روش برابری در قدرت خرید برای ۵۷ کشور مورد بررسی در ستون (۳) جدول (۳) ارائه شده است. مطابق اطلاعات آماری ارائه شده، بالاترین تولید سرانه به کشورهای برونی دارالاسلام، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، بیش از ۱۰ هزار دلار است. کمترین تولید سرانه به یمن، چاد، بورکینافاسو، بنین، گینه بیسائو، مالی، موزامبیک، نیجر، نیجریه و سیرالئون اختصاص دارد که کمتر از ۱۰۰۰ دلار است؛ بدیهی است هر چه کشوری از تولید سرانه بالاتر مواجه باشد، قدرت اقتصادی بالاتری دارد و امکان تشکیل همپوندی اقتصادی منطقه‌ای با مجموعه کشورهای دارای قدرت اقتصادی بالاتر و هم سطح‌تر (متجانس) قابل حصولتر است.

مطابق اطلاعات آماری ارائه شده در جدول، متوسط میزان رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از ۲۰ کشور عضو سازمان طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰، منفی بوده است، حال آن‌که برای ۱۴ کشور این میزان بیش از ۲/۵ درصد بوده است. پنج کشور گویان، مالدیو، مالزی، لبنان و سودان میزان رشد تولید سرانه‌ای بیش از چهار درصد را طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به دست آورده‌اند. پنج کشور قرقیزستان، سیرالئون، تاجیکستان، ترکمنستان و آذربایجان نیز دارای رشد منفی به میزان پنج درصد بوده است.

در ستون‌های دیگر این جدول بالاترین رقم تولید سرانه و سال مورد نظر برای کشورهای عضو سازمان درج شده است. مطابق این اطلاعات آماری، بسیاری از این کشورها از لحاظ تولید سرانه در سال‌های اخیر در مقایسه با دو دهه گذشته به افزایش رفاه سرانه دست یافته‌اند. این در حالی است که کشورهای نظیر ایران، گابن، چاد، موریتانی، نیجریه، سنگال بالاترین تولید سرانه طی دهه ۱۹۷۰ داشته‌اند. در این میان بسیاری از کشورهای شوروی سابق عضو سازمان، رفاه سرانه فعلی‌شان در مقایسه با سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ با کاهش مواجه بوده است.

ستون آخر جدول مورد بحث، گروه‌بندی کشورهای عضو سازمان را از لحاظ درآمد سرانه نشان می‌دهد که مطابق تقسیم‌بندی بانک جهانی کشورهای با سطح درآمد سرانه کمتر از ۷۴۵ دلار، «درآمد پائین»، درآمد سرانه بین ۷۴۶ تا ۲۹۷۵ دلار «درآمد متوسط به پائین»، درآمد سرانه بین ۲۹۷۶ و ۹۲۰۵ درآمد متوسط به بالا و درآمد سرانه بیش از ۹۲۰۶ جزو «درآمد بالا» قرار می‌گیرند. از مجموع ۵۷ کشور عضو سازمان، تنها ۳ کشور در سطح درآمد سرانه بالا واقع هستند و حدود نیمی از کشورها (۲۸ کشور) با سطح درآمد سرانه پائین قرار دارند و بقیه نیز در سطح درآمد سرانه متوسط هستند.

۲-۶- ساختار اقتصادی کشورهای عضو

جدول (۴)، تولید ناخالص داخلی و میزان رشد آن طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰، ساختار اقتصادی و ساختار هزینه و تشکیل سرمایه ثابت

جدول (۲): روند شاخص توسعه انسانی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

شرح	شاخص توسعه انسانی			رتبه تولید سرانه منهای رتبه HDI	شاخص توسعه مربوط به جنسیت	جمعیت میلیون نفر ۲۰۰۰	میزان رشد سالانه جمعیت ۲۰۰۰-۱۵(%)
	۱۹۷۵	۲۰۰۰	رتبه (۲۰۰۰)				
	رتبه	ارزش عددی	رتبه				
البانی	۰.۶۷۳	۰.۷۳۳	۹۲	+۱۷	۰.۷۲۹	۳.۱	۰.۶
بنگلادش	۰.۵۰۱	۰.۶۹۷	۱۰۶	-۲۲	۰.۶۷۶	۳۰.۳	۱.۵
افغانستان	...	۰.۷۴۱	۸۸	+۲۴	...	۸.۷	۰.۵
بحرین	...	۰.۸۳۱	۳۹	-۲	۰.۸۲۲	۰.۶	۱.۴
بنگلادش	۰.۳۳۵	۰.۴۷۸	۱۴۵	-۵	۰.۴۶۸	۱۳۷.۴	۱.۹
بنین	۰.۲۸۸	۰.۴۱۲	۱۵۸	-۴	۰.۴۰۴	۶.۳	۲.۷
برونئی دارالسلام	...	۰.۸۵۶	۳۲	+۱	۰.۸۵۱	۳.۱	۱.۶
بورکینافاسو	۰.۲۳۲	۰.۳۲۵	۱۶۹	-۱۴	۰.۳۱۲	۱۴۳	۳.۲
کامرون	۰.۱۴۱	۰.۵۱۲	۱۳۵	-	۰.۵۰۰	۱۱.۵	۲.۰
چاد	۰.۲۵۶	۰.۳۶۵	۱۶۶	-۷	۰.۳۵۳	۱۴.۹	۳.۰
کومور	۰.۱۴۸	۰.۵۱۱	۱۳۷	+۴	۰.۵۰۵	۰.۷	۲.۸
جیبوتی	...	۰.۴۴۵	۱۴۹	-۲۸	...	۰.۶	۰.۷
مصر	۰.۴۳۵	۰.۶۴۲	۱۱۵	-۱۰	۰.۶۲۸	۶۷.۹	۱.۵
کابین	...	۰.۶۳۷	۱۱۷	-۴۴	...	۱.۲	۲.۴
کامبیا	۰.۲۲۲	۰.۴۰۵	۱۶۰	-۲۳	۰.۳۹۷	۱.۳	۲.۱
کینه	...	۰.۴۱۴	۱۵۹	-۳۰	...	۸.۲	۲.۲
کینه بیسائو	۰.۲۴۸	۰.۳۴۹	۱۶۷	-	۰.۳۲۵	۱.۲	۲.۴
گویان	۰.۶۶۶	۰.۷۰۸	۱۰۳	-۴	۰.۶۹۸	۰.۸	-۰.۱
اندونزی	۰.۴۶۹	۰.۶۸۴	۱۱۰	+۱	۰.۶۷۸	۲۱۲.۱	۱.۱
ایران	۰.۵۵۶	۰.۷۲۱	۹۸	-۲۲	۰.۷۰۳	۷۰.۳	۱.۴
اردن هاشمی	۰.۶۳۶	۰.۷۱۷	۹۹	-۱	۰.۷۰۱	۴.۹	۲.۵
قزاقستان	...	۰.۷۵۰	۷۹	-۱	...	۱۶.۲	-۰.۱
کویت	۰.۷۵۳	۰.۸۱۳	۴۵	-۱۰	۰.۸۰۴	۱.۹	۲.۵
قرقیزستان	...	۰.۷۱۲	۱۰۲	+۱۲	...	۴.۹	۱.۱
لیبان	۰.۶۸	۰.۷۵۵	۷۵	+۲۰	۰.۷۳۹	۳.۵	۱.۳
لسوتو	...	۰.۷۷۳	۶۴	-۲	۰.۷۵۳	۵.۳	۱.۹
مالزی	۰.۶۱۶	۰.۸۸۲	۵۹	-۷	۰.۷۷۶	۲۲.۲	۱.۵
مالدیو	۰.۶۲۹	۰.۷۴۲	۸۴	+۹	۰.۷۳۹	۰.۳	۲.۹
مالی	۰.۲۵۲	۰.۳۸۶	۱۶۴	-	۰.۳۷۸	۱۱.۴	۲.۹
موریتانی	۰.۳۳۷	۰.۴۳۸	۱۵۲	-۱۶	۰.۴۲۹	۴.۷	۲.۹
مراکش	۰.۴۲۹	۰.۶۰۲	۱۲۲	-۱۶	۰.۵۸۵	۲۹.۹	۱.۵
موزامبیک	۰.۳۰۲	۰.۳۲۲	۱۷۰	-۱۰	۰.۳۰۷	۱۸.۳	۳.۶
نیجر	۰.۳۳۴	۰.۲۷۷	۱۷۲	-۴	۰.۲۶۳	۱.۸	۲.۵
نیجریه	۰.۳۳۸	۰.۴۶۲	۱۴۸	+۹	۰.۴۴۹	۱۱۳.۹	۲.۵
عمان	...	۰.۷۵۱	۷۸	-۳۸	۰.۷۲۲	۲.۵	۳.۲
پاکستان	۰.۶۳۵	۰.۴۹۹	۱۳۸	-۷	۰.۴۶۸	۱۴۱.۳	۲.۵
قطر	...	۰.۸۰۳	۵۱	-۲۵	۰.۷۹۴	۰.۶	۱.۴
عمارت سعودی	۰.۵۸۷	۰.۷۵۹	۷۱	-۲۶	۰.۷۳۱	۲۰.۳	۳
سنگال	۰.۳۱۳	۰.۴۳۱	۱۵۴	-۱۱	۰.۴۲۱	۹.۴	۲.۴
سیرالئون	...	۰.۲۷۵	۱۷۳	-	...	۴.۴	۳.۲
سودان	۰.۳۴۶	۰.۴۹۹	۱۳۹	-۷	۰.۴۷۸	۳۱.۱	۲.۱
سورینام	...	۰.۷۵۶	۷۴	+۲۹	...	۰.۴	۰.۳
سوریه	۰.۵۳۸	۰.۶۹۱	۱۰۸	-۲	۰.۶۶۹	۱۶.۲	۲.۴
تاجیکستان	۰.۰۷۴	۰.۶۶۷	۱۱۲	+۳۹	۰.۶۶۴	۶.۱	۱.۰
توگو	۰.۳۹۴	۰.۴۹۳	۱۴۱	+۵	۰.۴۷۵	۴.۵	۲.۵
تونس	۰.۵۱۴	۰.۷۲۲	۹۷	+۲۶	۰.۷۰۹	۹.۵	۱.۲
ترکیه	۰.۵۹۳	۰.۷۴۲	۸۵	+۱۸	۰.۷۳۴	۶۶.۷	۱.۱
ترکمنستان	...	۰.۷۴۱	۸۷	+۱۳	...	۴.۷	۱.۶
اوگاندا	۰.۲۸۶	۰.۴۴۴	۱۵۰	-۱	۰.۴۳۷	۲۳.۳	۳.۴
امارات متحده عربی	...	۰.۸۱۲	۴۶	-۱۹	۰.۷۹۸	۴.۷	۱.۴
ازبکستان	۰.۸۳۱	۰.۷۲۷	۹۵	+۲۴	۰.۷۲۵	۲۴.۹	۱.۴
یمن	۰.۳۹۹	۰.۴۷۹	۱۴۴	+۱۴	۰.۴۲۶	۱۸.۳	۳.۹

SOURCE : UNDP.HDR.2002

جدول (۳) : عملکرد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

ردیف	شرح	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)			تولید ناخالص داخلی		سال مورد نظر	منبع توسعه	
		PPP		سرنانه PPP		تولید سرانه بالاترین رقم			
		۲۰۰۰	۲۰۰۰	۱۹۷۵-۲۰۰۰	۱۹۹۰-۲۰۰۰				
۱	افغانستان	LIC		
۲	البانی	۳۸	۱۲	۳۵۰۶	۱۳	۳۷۱۰	۱۹۸۲	LMC	
۳	الجزایر	۵۳۳	۱۶۱۳	۵۳۰۰	-۰.۳	۵۹۹۷	۱۹۸۵	LMC	
۴	اندونزی	۵۳	۲۳۶	۲۹۳۶	-۹.۶	۸۲۳۵	۱۹۸۶	LIC	
۵	بوسنی و هرزگوین	LMC	
۶	بحرین	۸	۱۰۰۱	۱۲۰۸۱	۰.۹	۱۷	...	HC	
۷	بنگلادش	۱۷۰۱	۱۰۹۹	۱۰۰۲	۲.۲	۱۶۰۲	۲۰۰۰	LIC	
۸	بنین	۲۲	۶۲	۹۹۰	۰.۵	۹۹۰	۲۰۰۰	LIC	
۹	پادشاهی برونا دارالسلام	۴۸	۵۱	۱۶۷۷۹	-۲.۲	۰.۷	...	HC	
۱۰	بورکینافاسو	۲.۶	۱۱	۹۰۶	۱.۱	۹۸۰	۱۹۹۹	LIC	
۱۱	کامرون	۸.۹	۲۵.۳	۱۷۰.۳	-۰.۶	۲۵۷.۱	۱۹۸۶	LIC	
۱۲	چاد	۱.۱	۶.۷	۸۰.۱	۰.۱	۱۰۲.۵	۱۹۷۷	LIC	
۱۳	کومور	۰.۲	۰.۹	۱۰.۸۱	-۱.۱	۲۱.۱۷	۱۹۸۱	LIC	
۱۴	گیبون	۰.۶	LMC	
۱۵	مصر	۹۸.۷	۲۳۲.۵	۳۳۵	۲.۹	۳۶۳.۵	۲۰۰۰	LMC	
۱۶	گابن	۱.۹	۲.۷	۶۳.۷	۰.۱	۱۲۱.۲	۱۹۷۶	UMC	
۱۷	گامبیا	۰.۱	۱.۲	۱۶.۹	-۰.۳	۱۷.۱۱	۱۹۸۱	LIC	
۱۸	گینه	۳	۱۲.۹	۱۸.۲	۱.۱	۱۹.۸۷	۱۹۸۸	LIC	
۱۹	گینه بیسائو	۰.۲	۰.۹	۷.۵۵	۰.۱	۹.۶۵	۱۹۹۷	LIC	
۲۰	گوینا	۰.۷	۳	۲۹.۳	۰.۳	۱۶.۶	۱۹۸۸	LMC	
۲۱	اندونزی	۱۵۳.۳	۶۲۰.۳	۳۰۱.۳	۱.۱	۳۵۸.۱	۱۹۹۷	LIC	
۲۲	ایران	۱۰۲.۹	۳۶۱.۶	۵۸۸	۰.۷	۷۹۵	۱۹۷۶	LMC	
۲۳	عراق	LMC	
۲۴	اردن حاشنی	۸.۳	۱۹.۱	۳۹.۶	۰.۱	۴۸.۱	۱۹۸۶	LMC	
۲۵	ترکمنستان	۱۹.۲	۸۳.۲	۵۸۰	-۳.۱	۸۱.۲۷	۱۹۸۹	LMC	
۲۶	کویت	۳۷.۸	۳۱.۱	۱۰۷.۹	-۰.۹	۲۵.۳۲	۱۹۷۹	HC	
۲۷	موریتانی	۱.۳	۱۳.۳	۲۵.۱	۱.۲	۱۵.۰	۱۹۹۰	LIC	
۲۸	نیپال	۱۶.۵	۱۸.۶	۱۳۰.۸	۱.۲	۱۳۸.۵	۱۹۸۸	UMC	
۲۹	نمیبیا	-۱.۷	UMC	
۳۰	مالتای	۱۹.۷	۲۱.۱	۹۶.۰	۱.۰	۹۱.۵	۱۹۸۷	UMC	
۳۱	مالدیو	۰.۶	۱.۲	۱۱.۵	۰.۸	۱۸.۵	۲۰۰۰	LMC	
۳۲	مالی	۲.۳	۸.۶	۷.۹	۰.۵	۹.۲	۱۹۷۹	LIC	
۳۳	موریتانی	۰.۹	۱.۵	۱۱.۷	-۰.۱	۱۷.۰	۱۹۷۶	LIC	
۳۴	مراکش	۳۳.۳	۱۰۰.۸	۳۵.۶	۱.۳	۳۶.۲	۱۹۸۸	LMC	
۳۵	موزامبیک	۳.۸	۱۵.۱	۱۵.۱	۱.۵	۸.۰	۱۹۹۹	LIC	
۳۶	نیجریه	۱.۸	۸.۶	۷.۶	۰.۰	۱۲.۷	۱۹۷۹	LIC	
۳۷	ساحره	۱۱.۱	۱۳.۶	۸.۶	-۰.۷	۱۱.۰	۱۹۷۷	LIC	
۳۸	عمان	۱۵	۰.۳	UMC	
۳۹	پاکستان	۶۰.۶	۲۶۶.۲	۱۹۰.۸	۲.۸	۱۹۲.۸	۲۰۰۰	LIC	
۴۰	پاناما	
۴۱	قطر	۱۲.۵	LIC	
۴۲	عربستان سعودی	۱۹۳.۳	۲۳۵.۶	۱۱۳.۶	-۲.۲	۱۹۵.۵	۱۹۸۰	UMC	
۴۳	سنگاپور	۱.۱	۱۲.۱	۱۵۰	۰.۲	۱۵۸.۱	۱۹۷۶	LIC	
۴۴	سومالی	۰.۶	۲.۵	۱.۰	-۲.۶	۱.۰	۱۰۰.۲	۱۹۸۲	LIC
۴۵	سومالی	LIC	
۴۶	سودان	۱۱.۵	۵۵.۹	۱۷.۹	-۰.۶	۱۷.۹	۲۰۰۰	LIC	
۴۷	سورینام	۰.۸	۱.۶	۳۷.۹	-۰.۱	۱.۲۸	۱۹۸۸	LMC	
۴۸	سوریه	۱.۷	۵.۶	۳۵.۶	۱	۳۷.۱	۱۹۸۸	UMC	
۴۹	تایوان	۱	۷.۱	۱۱۲	-۱.۸	۳۹.۹	۱۹۸۸	LIC	
۵۰	توگو	۱.۲	۶.۵	۱۱.۲	-۰.۲	۲۰.۵	۱۹۸۰	LIC	
۵۱	تونس	۱۹.۵	۶۰.۸	۳۳.۳	۲	۳۳.۳	۲۰۰۰	LIC	
۵۲	ترکیه	۱۹۹.۹	۱۵۵.۲	۲۹.۶	۰.۰	۷.۰۳	۱۹۸۸	LMC	
۵۳	ترکمنستان	۱.۱	۲۰.۶	۲۹.۵	-۰.۹	۸.۰۱۹	۱۹۸۸	LIC	
۵۴	اوکراین	۶.۲	۲۱.۸	۱۲.۸	۰.۵	۱۲.۸	۲۰۰۰	LIC	
۵۵	امارات متحده عربی	۱۶.۵	۱۸.۹	۱۹۳.۵	۳.۷	۱۶.۶	...	LIC	
۵۶	ازبکستان	۷.۷	۶۰.۲	۱۲.۱	-۲.۶	۳.۹۱	۱۹۸۸	LIC	
۵۷	بوسنی	۱.۵	۱۵.۶	۸.۳	۰.۳	۸.۳	۲۰۰۰	LIC	

Source: 1. UNDP, HDR.2002, PP: 190- 193.

2 - World Bank Data

ناخالص کشورهای عضو را برای سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد. با نگاهی اجمالی به این جدول، مشخص می‌شود که این کشورها دارای ساختار اقتصادی متفاوت و سطوح رشد (توسعه) اقتصادی ناهمگونی هستند. این تفاوت‌ها در عین حال که می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد، محدودیت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند.

در غالب کشورهای مورد بررسی، بخش خدمات سهم برجسته‌ای از تولید ناخالص داخلی دارد و بخش‌های صنعت و کشاورزی در برخی از کشورها، سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی کشورها را تشکیل می‌دهند. کمتر کشور با درآمد سرانه بالایی می‌تواند یافت که سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی آن قابل ملاحظه باشد، بالعکس، کمتر کشور با درآمد سرانه پائینی می‌تواند یافت که سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بالا نباشد. البته در بسیاری از کشورهای عضو سازمان، بخش خدمات سهم چشمگیری از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. به طور خلاصه دامنه سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو حداقل دو درصد (مربوط به اردن) و حداکثر ۴۹ درصد (مربوط به سیرالئون) است؛ همچنین دامنه سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی در میان این کشورها، حداقل ۱۴ درصد (مربوط به چاد) و حداکثر ۷۶ درصد (مربوط به الجزایر) است. هفت کشور عضو که سهم بخش صنعت آن‌ها بیش از ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی است، عبارت‌اند از: الجزایر (۷۶ درصد)، اندونزی (۴۷ درصد)، قزاقستان (۴۸ درصد)، مالزی (۵۰ درصد)، نیجریه (۴۶ درصد)، ترکمنستان (۵۰ درصد) و یمن (۴۲ درصد). انتظار می‌رود کشورهای با اقتصاد بزرگ عضو این سازمان که سهم بخش صنعت آن‌ها از تولید ناخالص داخلی چشمگیر است (نظیر اندونزی، مالزی، الجزایر و قزاقستان) بهتر بتوانند از جریان مبادلات تجاری دو جانبه و چند جانبه با دیگر اعضای سازمان برخوردار شوند.

چون معیار کالاهای ساخته شده صنعتی برای بسیاری از اعضای این سازمان در دست نبود، لذا بناچار «سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی» یکایک کشورها به عنوان معیاری جهت تشکیل همپیوندی اقتصادی منطقه‌ای در نظر گرفته شد.

در دیگر ستون‌های جدول، برخی متغیرهای کلان و بین الملل ارائه شده که تحلیل آن شاخص‌ها می‌تواند مفید باشد:

۱- کشورهای عضو در سال‌های دهه ۱۹۹۰ رشد متنوعی داشته‌اند، به طوری که کشورهای آسیای مرکزی عضو این سازمان نظیر قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان با افت در تولید ناخالص داخلی مواجه بوده‌اند و قدرت اقتصادی آن‌ها رو به کاهش گذاشته است. در مقابل کشورهایی نظیر لبنان، سوریه، مالزی، موزامبیک، اوگاندا و یمن میزان رشد اقتصادی بیش از پنج درصد داشته‌اند.

۲- از تقاضای داخلی هر اقتصاد دو متغیر هزینه‌های مصرفی خصوصی و دولتی نیز از شاخص‌های توسعه‌ای مناسب محسوب می‌شوند. از کشوری که بخش مهمی از تقاضای کل را صرف هزینه مصرفی خصوصی نماید، انتظار نمی‌رود در زمینه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ارقام چشمگیری را داشته باشد؛ سرانجام اینکه تسلط بیش از اندازه بخش دولتی در اقتصاد هر کشور می‌تواند عرصه را برای بخش خصوصی تنگ‌تر کند و دیگر ناکارآمدی‌ها و هزینه‌های جاری سنگین را بر اقتصاد تحمیل نماید. بر مبنای شاخص هزینه مصرفی خصوصی از تولید ناخالص داخلی اعضا، بالاترین رقم حدود ۹۴ درصد به لبنان و پائین‌ترین رقم حدود ۳۴ درصد به ترکمنستان تعلق

دارد. در مقابل از نظر نسبت هزینه‌های دولت از تولید ناخالص داخلی این کشورها، بالاترین رقم ۱۸ درصد به لبنان و پائین‌ترین رقم ۵ درصد به بنگلادش تعلق دارد.

۳- از متغیرهای مهم اقتصاد کلان "سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی" است. بر مبنای این شاخص از میان کشورهای عضو این سازمان، در سال ۲۰۰۱ بالاترین نسبت ۴۰ درصد به ترکمنستان و پائین‌ترین نسبت ۶ درصد به گینه تعلق دارد. به این ترتیب دامنه نسبت فوق در میان کشورهای مورد بحث چشم‌گیر است.

۴- سرانجام، نسبت تراز تجاری خارجی از تولید ناخالص داخلی اعضای سازمان گویای آن است که کشورهای نظیر اردن، اوگاندا، لبنان، چاد و آلبانی بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کسری تجاری دارند، حال آن‌که در کویت، مالزی و عربستان سعودی و الجزایر، مازاد تراز تجاری بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی (بیش از ۱۵ درصد)، را تشکیل داده است.

۷-۲) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

وجود بزرگ‌ترین منابع نفت و گاز، انواع فلزات معدنی، دسترسی به منابع آبی نسبتاً مناسب و آب و هوای متنوع، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را از موقعیتی ممتاز برخوردار کرده است. اما این کشورها با وجود توانایی‌های بالقوه، رشد و پیشرفت چشمگیری نداشته‌اند. غالب کشورهای عضو سازمان، تامین‌کننده مواد اولیه برای سرمایه‌گذاران کشورهای صنعتی و پیشرفته قلمداد می‌شوند. پائین بودن سطح فن‌آوری در بسیاری از این کشورها با فقر سرمایه بالفعل آن‌ها، همراه بوده است. کشورهای صنعتی توسعه یافته مهم‌ترین سرمایه‌گذاران در این کشورها هستند کشورهای عضو به دلایلی نظیر مهیا نبودن زیرساخت‌های ضروری لازم برای سرمایه‌گذاران خارجی، نازل بودن سطح فن‌آوری و وجود موانع اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فنی همواره کمترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی را به خود اختصاص داده‌اند.

از سوی دیگر در فرآیند جهانی شدن و تشکیل گروه‌بندی‌های اقتصادی در سطح جهان، اقتصاد کشورها چه در طی فرآیندی طبیعی و چه به صورت مدیریت شده به تدریج بسوی همگونی بیشتر و یافتن جایگاه خویش در ساختار تولیدی و تجاری در حال شکل‌گیری، حرکت می‌کنند. در این میان یکی از شاخص‌های اصلی در جهت اندازه‌گیری همگونی و سطح پیشرفت یک کشور در بین کشورهای جهان، بررسی ساختار جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورهاست. سهم هر کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند مشخص‌کننده میزان همگونی ساختار تولید یک کشور با ساختار تولید جهانی باشد؛ چرا که هدف سرمایه‌گذار جذب سود بلندمدت از طریق مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان است؛ از آنجا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تاثیر مستقیمی بر به فعل رساندن پتانسیل‌های تجاری کشورهای عضو بگذارد، بررسی وضع این کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز مهم است. از طرف دیگر، گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این امکان را فراهم کرده که تولیدات ساخته شده صنعتی به شکلی غیر متمرکز و با گردآوری قطعات از مکان‌های مختلف صورت گیرد؛ بدین مفهوم، بسیاری از کشورها در یک صنعت خاص به صورت صادرکننده و واردکننده همزمان مطرح شده‌اند. شاخص تجارت درون صنعتی در

جدول (۴): ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

شرح	GDP میلیارد دلار ۲۰۰۱	نرخ رشد GDP ۱۹۹۰-۲۰۰۱	ارزش افزوده % از GDP در ۲۰۰۱ (درصد)			هزینه های از GDP ۲۰۰۱ (درصد)		تشکیل سرمایه ناخالص از GDP (درصد)
			کشاورزی	صنعت	خدمات	معرفی	دولت	
افغانستان	۱۹	-۲۳
آلمانی	۴۰۱۱۴	۳۰۷	۴۹	۲۷	۲۴	۹۱	۳۸	۱۶
الجزیر	۵۳	۲/	۱۲	۷۶	۱۲	۴۱	۲۷	۴
آذربایجان	۵۰۶۹	۲۰۷	۲۰	۳۸	۴۲	۵۹	۱۰	...
بنگلادش	۴۶۰۵	۴۰۹	۲۳	۲۵	۵۲	۷۹	۵	۲۳
بنین	۲۰۲۷	۴۰۸	۳۸	۱۵	۴۷	۸۰	۱۲	۲۰
بورکینافاسو	۲۰۳۳	۴۰۹	۳۵	۱۷	۴۷	۷۴	۱۶	۲۹
کامرون	۸۰۵۹	۲۰۱	۴۶	۲۱	۳۳	۶۹	۱۱	۱۸
چاد	۱۰۶	۲۰۵	۳۹	۱۱	۴۸	۹۱	۸	۴۳
مصر	۹۷۰۵۵	۴۰۶	۱۷	۳۱	۴۹	۷۲	۱۰	۲۳
گینه	۲۰۸۹	۴۰۱	۲۵	۳۸	۳۷	۷۷	۶	۲۵
اندونزی	۱۴۵۰۳۱	۳۰۸	۱۶	۴۷	۳۷	۶۷	۷	۱۷
ایران	۱۱۸۰۸۷	۳۰۶	۱۹	۲۶	۵۴	۶۰	۱۵	۲۰
اردن هاشمی	۸۰۸۳	۴۰۸	۲	۲۵	۷۳	۸۰	۲۴	۲۲
قزاقستان	۲۲۰۶۴	-۲۰۸	۹	۴۸	۴۳	۷۰	۱۴	۱۳
کویت	۳۷۰۷۸	۳۰۲	۴۱	۲۲	۱۱
قزاقستان	۱۰۵۳	-۲۰۹	۳۸	۲۷	۳۵	۶۵	۲۰	۱۵
لبنان	۱۶۰۷۱	۵۰۴	۱۲	۲۲	۶۶	۹۴	۱۸	۱۹
مالزی	۸۷۰۵۴	۶۰۵	۸	۵۰	۴۲	۴۵	۱۲	...
مالی	۲۰۲۳	۴۰۱	۳۸	۲۶	۳۶	۷۸	۱۳	۴۳
موریتانی	۱۰۰۳	۴۰۲	۲۱	۲۹	۵۰	۶۸	۱۶	۲۶
موزامبیک	۳۰۵۶	۷۰۵	۲۲	۲۶	۵۲	۷۴	۱۲	۳۱
نیجر	۱۰۹۴	۲۰۶	۳۹	۱۸	۴۴	۸۴	۱۳	۱۳
نیجریه	۴۱۰۲۴	۲۰۵	۳۰	۴۶	۲۵	۶۷	۱۳	۲۳
پاکستان	۵۹۰۶	۳۰۷	۲۵	۲۳	۵۱	۷۸	۱۱	۶۵
سعودی	۱۷۳۰۲۳	۶۰۹	۳۳	۲۷	۱۶
سنگال	۴۰۶۲	-۲۰۸	۱۸	۲۷	۵۵	۷۸	۱۰	۲۰
سیرالئون	۰۰۷۵	...	۴۹	۳۱	۲۱	۸۵	۱۶	۹
سوریه	۱۷۰۹۴	۵۰۵	۲۴	۳۰	۴۶	۶۳	۱۳	۱۹
تاجیکستان	۱۰۰۶	-۸۰۷	۱۹	۲۶	۵۵	۷۶	۸	۲۰
توگو	۱۰۲۶	۲۰۲	۳۹	۲۱	۴۰	۸۷	۹	۲۰
تونس	۲۰۰۰۴	۴۰۷	۱۲	۲۹	۵۹	۶۲	۱۴	۲۸
ترکیه	۱۴۷۰۶۳	۳۰۳	۱۵	۲۷	۵۸	۶۹	۱۳	۱۵
ترکمنستان	۵۰۹۶	-۲۰۸	۲۷	۵۰	۲۳	۳۴	۱۶	۴۰
توگاند	۵۰۷۱	۶۰۸	۴۲	۱۹	۳۸	۸۸	۱۲	۱۹
ازبکستان	۱۱۰۲۷	۰	۳۶	۲۱	۴۳	۳۹	۱۸	۱۱
یمن	۹۰۱	۵۰۶	۱۵	۴۲	۴۳	۶۵	۱۴	۱۸

Source: WB, World Development Report 2002

دهه‌های اخیر به سرعت رو به افزایش گذاشته است. (۳) کشورهای در حال توسعه نسبت به نقش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی آگاهی دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دو جهت دارای اهمیت است. اولاً توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در داخل یک کشور نشان دهنده انعکاس اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به شرایط تولیدی و تداوم اصلاح ساختار اجتماعی - اقتصادی آن کشور است. ثانیاً به‌طور هم‌زمان شکل‌گیری سرمایه‌گذاری توسط آن کشور در خارج گامی در راستای شرکت در

جهانی‌شدن اقتصاد و همچنین انجام اصلاحات ساختاری خواهد بود. بر مبنای داده‌های جدول (۵)، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۶۹۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱۴۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده و اما در سال ۲۰۰۱ به ۷۳۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. از این رقم، بخش اعظم به کشورهای توسعه یافته تعلق داشت؛ چرا که در سال ۱۹۹۸، ۶۹/۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی به کشورهای توسعه یافته تعلق داشته، که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به ترتیب

۸۲/۳ و ۶۸/۴ درصد رسیده است. در میان کشورهای توسعه یافته نیز بخش مهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اروپای غربی، به خصوص اتحادیه اروپا تعلق داشته است؛ بعد از آن، آمریکای شمالی در رتبه دوم قرار داشته است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی در کشورهای در حال توسعه نیز از ۱۸۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۲۳۷/۹ و ۲۰۴/۸ میلیارد دلار طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ رسید. بنابراین سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان، از ۲۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۱۶ و ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تغییر یافته است. بخش مهمی از این سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به منطقه جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین و کارائیب تعلق داشته است.

بر اساس گزارش سرمایه‌گذاری جهانی آنکتاد^(۲۰۰۲)، ده کشور توسعه یافته صنعتی^(۴) بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در جهان به خود اختصاص داده‌اند و همچنین در میان ده کشور در حال توسعه با بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم^(۵) هیچ کدام از ۵۷ کشور عضو سازمان نیستند.

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۷ برای ۵۷ کشور عضو سازمان در جدول (۵) درج شده است. مطابق اطلاعات آماری این جدول، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به این سازمان در سال ۱۹۹۷ حدود ۲۶/۲۵ میلیارد دلار بود که جمعاً ۳/۸ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی را تشکیل می‌داد؛ این رقم طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به ترتیب به ارقام ۸/۹ و ۱۴/۱۷ میلیارد دلار، معادل ۰/۶ و ۱/۹ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی، کاهش یافت. گفتنی است بالغ بر ۲۰ کشور عضو سازمان که در گروه کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی هستند، سهم به مراتب پائینی (در حد صفر درصد) از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی را دارند و حتی برخی از کشورهای عضو نظیر اندونزی، عراق، لیبی، یمن و کویت با خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده‌اند. در میان کشورهای عضو، شش کشور قزاقستان (۲/۷۶ میلیارد دلار)، مغرب (۲/۶۶ میلیارد دلار)، ترکیه (۳/۲۷ میلیارد دلار)، مصر (۱/۵۱ میلیارد دلار)، نیجریه (۱/۱ میلیارد دلار) و الجزایر (۱/۲ میلیارد دلار) بالاترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی را در سال ۲۰۰۱ به دست آورده‌اند. البته طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۷، کشورهایی نظیر اندونزی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت که از عمده جذب‌کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۷ به حساب می‌آمدند، در سال ۲۰۰۱ با خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده‌اند و در مقابل برخی از کشورهای عضو سازمان نظیر گابن، برونئی دارالسلام و الجزایر توانسته‌اند میزان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به طور چشمگیری افزایش دهند. به علاوه میزان جریان ورودی کشورهای مالزی و مصر طی سال‌های مورد بحث به طور چشمگیری روبه کاهش گذاشته است.

ریزن (Reisen) نشان می‌دهد که اگر جریان سرمایه‌گذاری به ۳ الی ۴ درصد تولید ناخالص داخلی برسد، در این صورت میزان رشد اقتصادی به ۰/۵ درصد بهبود می‌یابد. در بین ۳۰ کشور اول جهان که مهم‌ترین مبادلات خدمات تجاری را در سال‌های اخیر بر عهده داشته‌اند، تنها تعداد معدودی کشور از میان کشورهای مورد بررسی نقش فعالی را ایفا کرده‌اند. برای مثال، در این بین ترکیه اولویت زیادی به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی داده و انگیزه‌های متعددی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده است. علاوه بر

قانون مربوط به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین دیگری که رقابت و استانداردهای بین‌المللی تجاری را حمایت می‌کنند، از تصویب پارلمان ترکیه گذشته است. این در شرایطی است که تاچندی پیش، جریان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سطح نازلی قرار داشته است. بنحوی که طی دوره زمانی ۹۷-۱۹۹۶ رقم آن تنها بالغ بر ۴ میلیون دلار بوده است. در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۳ تعداد ۵۰ پروژه تولیدی با سرمایه‌گذاری به میزان ۷۲۲ میلیون دلار تصویب شده ولی عملاً ۴۰ میلیون دلار جذب شد. البته در یکی دو سال اخیر با تصویب قانون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دیگر اقدامات مهم زیر ساختی، روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران شتاب گرفته است. گفتنی است طی سال‌های نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ کشورهای عضو سازمان در ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جذابیت بهتری مواجه شده‌اند.

کشورهایی که با جریان ورود بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده‌اند، در جهانی شدن اقتصاد و نیز همپیوندی‌های اقتصادی منطقه‌ای می‌توانند مشارکت فعال‌تری داشته باشند. این کشورها در کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. در یک جمع بندی کلی باید گفت که متاسفانه مطابق شاخص عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی هیچ‌کدام از کشورهای عضو سازمان در لیست ۱۰ کشور برتر قرار ندارند، حال آنکه بسیاری از کشورهای با پائین‌ترین عملکرد در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای عضو این سازمان تعلق دارند که عبارت‌اند از: ایران، کویت، لیبی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، یمن، اندونزی و سورینام.

۸-۲- شاخص آزادی اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

طی دو دهه گذشته بسیاری از کشورهای جهان از جهانی شدن اقتصاد متأثر شده‌اند. فراگیری توسعه تجارت بین‌الملل به گونه‌ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین‌المللی بین کشورهای صنعتی از یک سو و بین کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده را از دیگر سو به دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه‌ها، سرمایه‌گذاری، تجارت بین‌الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین‌الملل را گسترش داده است. "بنیاد هری تیج" وابسته به مجله «وال استریت ژورنال» سالیانه شاخص آزادی اقتصادی کشورها را برآورد می‌کند که برآورد سال ۲۰۰۳ آن برای ۱۵۷ کشور جهان در جدول (۶) منعکس شده است.

در بین کشورهای عضو، بحرین با کسب رتبه ۱۶ در بین ۱۵۷ کشور جهان، در صدر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفته است، در حالی که ایران با کسب رتبه ۱۴۶ در بین کشورهای جهان در انتهای رتبه‌بندی کشورها واقع شده است. مطابق این بررسی، ایران موقعیت کاملاً ضعیفی از لحاظ آزادی اقتصادی حتی در بین کشورهای عضو سازمان دارد. کشورهای عضو سازمان به دلیل مواجهه با مشکلات عدیده اقتصادی در صحنه بین‌المللی نقش بسیار ضعیفی را ایفا می‌کنند. البته برخی از این کشورها از یک اقتصاد باز و نسبتاً کوچک برخوردار هستند. در بعضی از این کشورها، استفاده از مقررات کنترل اقتصادی، ابزار سیاست‌های تجاری و یارانه‌ها، حمایت از صنایع در همه سطوح به نحو چشمگیری اعمال می‌شود. با این حال، این کشورها متناسب با شرایط اقتصادی خود از بتانسیل مناسبی برای حضور مجدد و قوی‌تر در عرصه بین‌الملل برخوردارند. بر

جدول (۵): جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها عضو طی سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۱ میلیون دلار

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
افغانستان	-۱.۵	۰.۰	۶.۰	۰.۲	۲.۱
المانی	۴۷.۵	۴۵.۰	۴۱.۲	۴۳.۰	۱۸.۱
الجزایر	۲۶۰.۰	۵۰۱.۰	۵۰۷.۰	۴۳۸.۰	۱۱۹.۶
آذربایجان	۱۰.۶۷	۱۰.۸۵	۵۱.۰۳	۱۲۹.۹	۲۲.۵
بوسنی و هرزگوین	۱	۵۴.۶	۱۴۸.۸	۱۳۱.۵	۱.۶۴
بحرین	۳۲۹.۳	۱۷۹.۵	۴۵۳.۷	۳۵۸	۹۱.۸
بنگلادش	۱۳۹.۴	۱۹۰.۱	۱۷۸.۰	۲۷۹.۸	۷۸.۱
بنین	۲.۶	۳۴.۹	۶۱.۱	۹۶.۹	۱۳۱.۲
برونئی دارالسلام	۷۰۱.۷	۵۷۳.۳	۵۹۶.۰	۶۰۰.۲	۲۴۳.۵
بورکینافاسو	۱۶.۵	۹.۷	۱۳.۱	۲۳.۲	۲۵.۵
کامرون	۴۵	۵۰	۴۰	۳۰.۴	۷.۵
چاد	۱۵۰.۰	۱۶۰.۰	۱۵۰.۰	۱۵۰.۰	۱۵۰.۰
کومور	۲.۴	۳.۵	۱.۲	۳.۳	۳.۴
مصر	۸۸۶۹	۱۰۶۵۳	۲۹۱۹۴	۱۲۵.۱	۱۵۰۹.۹
گابن	-۳۱۱.۳	۱۴۶.۶	-۱۵۶.۶	۲۵۱.۸	۲۰۰
گامبیا	۲۰.۶	۲۳.۷	۴۹.۵	۴۳.۵	۳۵.۵
گینه	۱۷.۳	۱۷.۸	۶۳.۴	۳۲.۹	۳۸.۱
گینه بیسائو	۱۱.۵	۴.۴	۸.۶	۲۲.۹	۳۰.۱
گویان	۵۲.۶	۴۶.۶	۴۸.۲	۶۷.۱	۵۶.۱
اندونزی	۴۶۷۷	-۳۵۶.۰	-۲۴۷۵	-۴۵۵.۰	-۳۲۷۷
ایران	۵۳	۲۴	۳۵	۳۹	۳۲.۷
عراق	۱.۱	۷.۱	-۶.۹	-۳.۱	-۱.۷
اردن	۳۶۰.۹	۳۱۰	۱۵۸	۳۹.۲	۱۶۹.۷
قزاقستان	۲۱۰.۷	۱۲۳۳.۳	۱۴۶۸	۱۲۷۷.۷	۲۷۵۹.۷
کویت	۲۰	۵۹.۱	۷۲.۳	۱۶.۳	-۳۹.۵
قرقرستان	۸۳	۱۰۹.۲	۴۴.۴	-۲.۴	۴۰
لبنان	۱۵۰	۲۰۰	۲۵۰	۲۹۷.۸	۴۴۹.۳
لیبی	-۸۲.۳	-۱۵۰.۲	-۱۱۸.۴	-۱۴۲.۱	-۱۰۰.۶
مالزی	۶۳۴.۴	۲۷۱.۴	۳۸۹۵.۳	۳۷۸۷.۶	۵۳۳.۹
مالدیو	۱۱.۴	۱۱.۵	۱۲.۳	۱۲	۱۲.۳
مالی	۷۴.۳	۳۵.۸	۵۱.۳	۱۰.۶.۴	۱۰۲.۸
مراکش	۱۰۷۹.۳	۳۳۳.۱	۸۴۹.۵	۲۰۱.۳	۲۶۵۷.۸
موریتانی	۰.۹	۰.۱	۰.۹	۰.۲	۳.۰
موزامبیک	۶۴.۴	۲۲.۹	۳۸۱.۷	۱۳۹.۲	۲۵۵.۴
نیجر	۲۴.۶	۹	۰.۳	۱۹.۳	۱۳.۳
نیجریه	۱۵۳۹.۵	۱۰۵۱.۳	۱۰۰۴.۸	۹۳۰.۴	۱۱۰۴.۴
عمان	۶۵	۱۰۱.۴	۲۰.۸	۲۳.۴	۴۸.۶
پاکستان	۷۱۳	۵۰.۷	۵۲۹.۷	۳۰۵.۱	۳۸۵.۴
قطر	۴۱۸.۳	۲۱۷.۳	۱۱۳.۳	۲۵۱.۶	۲۳۷.۴
عربستان سعودی	۳۰۴۳.۵	۴۲۸۹.۲	-۷۸۰.۰	-۱۸۸۳.۶	۱۹.۸
سنگال	۱۷.۶	۷۰.۷	۱۳۶.۳	۸۸	۱۲۵.۵
سومالی	۱.۱	۰	-۰.۸	۰.۳	-۰.۲
سیرالئون	۹.۶	-۹.۸	۶.۲	۴.۹	۴
سودان	۹۷.۹	۳۷۰.۷	۳۷۰.۸	۳۹۲.۲	۵۷.۴
سورینام	-۹.۲	۹.۱	-۶۱.۵	-۱۴.۸	-۶۶.۸
سوریه	۸۰	۸۲	۲۳	۲۷۰	۲۰.۵
تاجیکستان	۱۸	۲۵	۲۱	۲۲	۲۲
توگو	۲۳	۴۲	۶۹.۷	۵۷.۲	۶۶.۹
تونس	۳۶۵.۳	۶۶۸.۱	۳۶۷.۹	۷۷۸.۸	۴۸۶.۴
ترکیه	۸۰.۵	۹۸.۰	۷۸.۳	۹۸.۲	۳۲۶.۶
ترکمنستان	۱۰.۸	۶.۲	۸.۹	۱۳.۱	۱۵.۰
اوگاندا	۱۷.۵	۲۱.۰	۲۲.۱	۳۵.۴	۲۲۹.۲
امارات متحده عربی	۲۳۲.۴	۲۵۷.۷	-۹۸۴.۹	۲۶۰.۵	-۱۵۵.۶
ازبکستان	۱۶.۷	۱۴.۰	۱۲.۱	۷.۳	۷.۱
بنن	۱۳۸.۵	-۲۱۹.۴	-۱۹۴.۳	-۲۰۰.۹	-۲۰.۴.۹

جدول (۶): شاخص آزادی اقتصادی (IEF) و نماگرهای آن برای کشورهای عضو OIC در سال ۲۰۰۳

شرح	IEF امتیاز کل	تجارت	مردم	دولت	سیاست پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و تامین مالی	قیمت‌ها و دستمزدها	حدازادگی	مقررات	بازار سیاه
۱ افغانستان
۲ آلبانی	۳۳۵	۵	۳۵	۳	۲	۲	۳	۲	۱	۵	...
۳ خلق آذربایجان	۳۲۵	۵	۳۵	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	...
۴ آذربایجان	۳۳۵	۳	۳۰	۳	۱	۱	۳	۳	۳	۴	۴۵
۵ بوسنی و هرزگوین	۳۸	۲	۱	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۵	۵
۶ بحرین	۲	۳	۲	۳	۱	۲	۱	۳	۳	۲	۲
۷ بنگلادش	۳۵	۵	۲	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۵	۵
۸ برزیل	۳۳۵	۱	۳۵	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۹ پرونی دارالسلام
۱۰ بوریکنافاسو	۳۲۵	۱	۳۵	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۱	۱
۱۱ کامرون	۳۳۵	۵	۳	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۴	۴۵
۱۲ چاد	۳۱	۵	۱	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۵	۵
۱۳ کم‌مور
۱۴ جیبوتی	۳۳	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۱۵ مصر	۳۳۵	۱	۵	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۳۵
۱۶ گابن	۳۱۵	۵	۱۵	۲	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۱۷ کامبیا	۲۳	۱	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۵
۱۸ گینه	۳۱	۵	۳	۱	۳	۳	۲	۲	۲	۱	۱
۱۹ گینه بیسائو	۳۶	۱	۱	۲	۳	۳	۵	۳	۳	۵	۵
۲۰ گویان
۲۱ اندونزی	۴۹	۳	۲۵	۳	۳	۳	۱	۲	۲	۱	۴۵
۲۲ ایران	۱۴۵	۲	۲۵	۱	۱	۱	۵	۱	۵	۵	۵
۲۳ عراق
۲۴ اردن هاشمی	۲۸۵	۵	۳۵	۱	۱	۲	۲	۲	۳	۳	۳
۲۵ قزاقستان	۳۵	۱	۳	۲	۳	۱	۳	۳	۳	۱	۱
۲۶ کویت	۲۵۵	۲	۲۵	۳	۱	۱	۳	۳	۳	۲	۲
۲۷ قزاقستان	۳۳۵	۱	۲۵	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۲۸ لبنان	۳۲۵	۵	۳۵	۱	۳	۳	۲	۲	۳	۵	۵
۲۹ لیبی	۱۵۱	۵	۳	۱	۱	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۳۰ مالتی	۳	۳	۳	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۳
۳۱ مالدیو
۳۲ مانی	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۲	۳	۳	۵
۳۳ موریتانی	۳۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۳	۳	۱	۱
۳۴ مراکش	۲۹۵	۵	۱	۲۵	۱	۲	۳	۲	۳	۳	۳
۳۵ موزامبیک	۳۲۵	۱	۳۵	۳	۳	۲	۲	۲	۳	۱	۱
۳۶ بحرین	۳۱	۱	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۳۷ نیجریه	۳۸۵	۵	۳۵	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۳۸ عمان	۲۸	۲	۲	۱	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳۵
۳۹ پاکستان	۳۳	۵	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۱
۴۰ فلسطین
۴۱ قطر	۲۶۵	۳	۴۵	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۱	۱
۴۲ عربستان سعودی	۲۹۵	۱	۲۵	۱	۱	۳	۱	۲	۳	۳	۳
۴۳ سنگال	۳۰۵	۱	۲۵	۱	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۴۴ سیرالئون	۳۸۵	۵	۳۵	۲	۳	۱	۱	۲	۳	۵	۵
۴۵ سومالی
۴۶ سودان
۴۷ سورنام	۳۹۵	۱	۱۵	۱	۵	۳	۱	۳	۳	۱	۱
۴۸ سوریه	۳۹۵	۱	۱۵	۱	۱	۱	۵	۱	۳	۱	۱
۴۹ تاجیکستان	۳۹۵	۳	۲۵	۳	۵	۱	۵	۱	۳	۱	۱
۵۰ توگو	۱۲۸	۲	۳	۳	۲	۱	۱	۳	۳	۵	۵
۵۱ تونس	۲۹۵	۵	۱	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳۵
۵۲ ترکیه	۳۵	۳	۱۵	۳	۵	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۵۳ ترکمنستان	۱۲۶	۵	۴۵	۱	۱	۱	۵	۱	۳	۱	۱
۵۴ اوگاندا	۲۸۵	۲	۳	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۱	۱
۵۵ ایالات متحده عربی	۲۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۱	۱
۵۶ ازبکستان	۱۴۹	۵	۳۵	۳	۵	۱	۵	۱	۳	۱	۱
۵۷ یمن	۳۶۵	۳	۱۵	۳	۳	۳	۱	۳	۳	۱	۱

Source: Heritage foundation.2003 (www.heritage.org)

جدول (۷): اندازه تجارت، صادرات و واردات کشورهای عضو OIC طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۰

کشور	سهیم تجارت کشورهای OIC (۲۰۰۱)	تجارت ۲۰۰۱	کل تجارت میلیون دلار (۱۹۹۰)	تجارت واردات ۲۰۰۱	واردات میلیون دلار (۱۹۹۰)	تجارت صادرات ۲۰۰۱	صادرات میلیون دلار (۱۹۹۰)	کشور
افغانستان	۰۰۶	۱۹.۱۲	۱۱۷۱.۵۰	۱۹.۹۸	۱۶۸.۰۰	۴۷.۱۴	۱۱۱.۰۰	۲۳۵.۱۰
آلبانی	۰۰۷	۱۱.۲۸	۱۱۳۶.۰۰	۱۹۲.۹۰	۱۳۳۱.۰۰	۷۳.۸۰	۳۰.۰۰	۱۱۳۳.۰۰
الجزایر	۳.۱۸	۱۳۳.۱۷	۳۳۷۵۰.۰۰	۱۱۷.۱۳	۱۱۵۲۹.۸۰	۱۱۱.۵۹	۲۰۰۰۰.۰۰	۱۳۳۲۰.۰۰
اندونزی	۰۰۹	۱۹۰.۵۹	۳۷۱۵۰.۰۰	۱۹۶۵.۱۰	۱۳۳۰۹۰.۰۰	۱۰۳۵.۹۰	۳۳۱۴.۳۰	۹۲۹.۰۰
بحرین	۰۰۲	۱۳۱.۲۵	۷۴۷۳.۵۰	۱۱۴.۸۵	۱۲۶۳.۵۰	۱۱۷.۱۴	۵۵۵۵.۳۰	۳۷۱۱.۰۰
بنگلادش	۰۰۶	۳۱۸.۱۸	۱۵۳۳۸.۰۰	۲۷۲.۴۴	۹۰۹۱.۰۰	۳۳۳۹.۲۰	۶۷۷۲.۵۰	۱۲۹۰.۹۰
بیتن	۰۰۶	۱۷۹.۸۲	۹۹۶۰.۰۰	۵۵۳.۹۰	۲۴۱.۸۳	۲۳۵.۹۰	۱۱۹.۷۹	۲۸۸.۰۰
برونئی دارالسلام	۰۰۵	۱۲۳.۵۶	۱۲۳۱.۰۰	۳۴۹۷.۰۰	۱۳۲۱.۰۰	۱۰۰۰.۰۰	۱۲۰.۱۹	۲۱۹.۰۰
بوزنیاقاسو	۰۰۹	۱۲۰.۵۹	۸۳۱.۰۰	۱۲۲.۱۴	۶۵۹.۰۰	۵۳۷.۱۰	۱۱۵.۱۳	۱۵۲.۰۰
کامرون	۰۰۴	۹۰.۶۹	۳۳۲۹.۰۰	۳۵۷۱.۰۰	۹۵.۲۷	۱۵۹.۰۰	۱۷۴۸.۰۰	۲۰۰۷.۰۰
چاد	۰۰۸	۱۲۳.۸۶	۷۹۹.۰۰	۵۵۵.۴۰	۱۷۵.۲۰	۶۳۰.۰۰	۸۵.۵۲	۱۹۴.۰۰
کومور	۰۰۱	۱۲۲.۶۱	۸۵.۰۰	۶۸.۳۰	۱۱۶.۳۸	۶۰.۰۰	۱۴۱.۲۴	۱۷.۰۰
جیبوتی	۰۰۲	۸۱.۳۵	۲۳۹.۰۰	۲۳۹.۰۰	۱۷۰.۰۰	۲۱۹.۸۰	۱۰۰.۰۰	۲۴.۹۰
مصر	۱.۹۱	۱۵۵.۷۳	۱۸۳۵۶.۰۰	۱۷۸۷.۰۰	۱۲۷۵۶.۰۰	۹۰.۲۰	۲۱۶.۳۳	۲۵۸۵.۰۰
کابل	۰۰۱	۱۲۴.۱۶	۳۹۵۴.۰۰	۵۰۳۳۶۳	۸۲۶.۱۰	۷۷۵.۰۰	۱۲۷.۰۱	۲۴۸۷.۰۰
کامبوجا	۰۰۲	۱۰۷.۱۶	۲۲۷.۰۰	۲۱۷.۴۰	۱۰۵.۶۵	۱۹۲.۶۰	۱۱۶.۲۸	۳۰.۱۰
کینه	۰۰۷	۱۰۶.۸۱	۱۶۱۵.۰۰	۱۵۱۲.۰۰	۱۲۸.۰۸	۷۲۳.۰۰	۸۷.۳۳	۷۸۹.۰۰
کینه بسمانو	۰۰۲	۱۸۶.۴۱	۱۸۱.۰۰	۹۷.۱۰	۱۰۱.۵۱	۷۷.۸۰	۱۰۲.۰۰	۱۹.۳۰
گیبوتی	۰۰۱	۱۸۰.۳۰	۵۵۵.۰۰	۱۰۷۳	۱۸۲.۷۵	۲۱۹.۵۰	۱۷۷.۹۰	۲۷۵.۰۰
اندونزی	۰۰۶	۲۱۵.۹۸	۱۰۶۶۱۶.۰۰	۱۶۹.۲۹	۳۳۹۸۰.۰۰	۲۱۸.۷۸	۲۵۵.۶۸	۲۵۱۷۵.۰۰
ایران	۴.۳۶	۱۱۱.۲۱	۱۱۸۵۱.۰۰	۳۷۳۳۵.۰۰	۹۸.۹۵	۱۸۱۲۸.۰۰	۱۲۲.۸۵	۱۹۳۰۵.۰۰
عراق	۰.۶۵	۱۰۳۰.۸۰	۱۵۸۳۵.۰۰	۱۵۲۵۵.۰۰	۹۸.۲۲	۱۵۲۵۵.۰۰	۱۰۳۰.۸۰	۱۰۳۰.۸۰
اردن هاشمی	۰.۷۴	۱۹۴.۴۱	۷۱۲۵.۰۰	۳۶۶۴.۹۰	۱۸۵.۷۷	۳۶۶۴.۹۰	۲۱۵.۵۵	۱۰۴۱.۰۰
قزاقستان	۰.۵۶	۱۶۲.۳۷	۱۵۰۰۹.۹۰	۹۲۴۵.۵۰	۱۷۲.۶۰	۳۶۶۴.۹۰	۱۵۵.۵۸	۵۵۵.۸۰
کویت	۲.۴۹	۲۰۰.۷۰	۳۳۸۷۵.۰۰	۱۰۸۱۸.۰۰	۱۹۸.۲۵	۳۳۸۷۵.۰۰	۳۳۸۷۵.۰۰	۳۳۸۷۵.۰۰
قزاقستان	۰.۱۰	۸۹.۵۴	۹۴۳.۰۰	۱۰۵۳.۵۰	۷۷.۹۱	۱۰۵۳.۵۰	۱۰۴.۹۱	۴۵۳.۸۰
لسان	۰.۸۵	۲۱۸.۱۷	۸۱۸۰.۰۰	۳۲۹۶.۳۰	۷۲۶.۳۷	۲۲۸۰.۰۰	۱۷۲.۴۴	۵۱۶.۳۰
لیبی	۰.۳۰	۶۵۱.۰۰	۱۲۵۰۸.۰۰	۱۹۲۱۲.۸۰	۱۱۳۱.۰۰	۵۳۳۰.۰۰	۶۰.۳۷	۱۳۸۷۶.۸۰
مالتی	۰.۸۵	۲۷۵.۶۶	۱۶۱۸۷.۰۰	۵۸۶۵۸.۰۰	۲۵۲.۵۱	۳۳۸۶۴.۰۰	۲۸۸.۸۶	۲۹۱۱۷.۰۰
مالدیو	۰.۰۵	۲۴۷.۶۳	۴۷۱.۰۰	۱۹۰.۲۰	۲۸۱.۰۲	۳۹۵.۰۰	۷۶.۰۰	۵۰۱.۰۰
مالتی	۰.۱۶	۳۹.۵۱	۵۵۶.۰۰	۱۰۰۶.۹۰	۱۳۶.۱۷	۸۴۳.۰۰	۲۱۹.۱۰	۳۳۸.۸۰
موریتانی	۰.۰۸	۱۱۳.۴۹	۱۸۰۸۳.۰۰	۶۶۶.۴۰	۱۷۰.۵۶	۳۶۵.۰۰	۳۶.۰۰	۴۲۵.۰۰
مراکش	۰.۸۸	۱۶۲.۰۴	۲۲۷۱.۰۰	۱۱۱۵۹.۰۰	۱۵۸.۲۶	۱۰۹۶۱.۰۰	۱۶۸.۲۲	۱۲۳۳.۸۰
موزامبیک	۰.۲۴	۲۲۶.۲۲	۶۶۲.۰۰	۱۰۰۳.۹۰	۱۶۶.۷۲	۸۱۷.۵۰	۸۰.۰۰	۱۲۶.۰۰
نیجریه	۰.۰۶	۹۲.۶۹	۳۳۹۰.۰۰	۶۷۳.۰۰	۹۲.۸۲	۳۶۰.۰۰	۲۶.۰۰	۲۸۳.۰۰
نیجریه	۳.۵۳	۱۷۴.۵۲	۱۶۸۶۷.۰۰	۱۹۱۲۵.۰۰	۲۰۹.۹۸	۱۲۰۰۰.۰۰	۱۵۹.۷۱	۳۷۱۰.۰۰
عمان	۰.۷۶	۲۰۶.۰۲	۱۹۱۳۰.۰۰	۸۱۸۷.۰۰	۲۱۶.۲۴	۵۷۹۶.۰۰	۲۰۰.۰۰	۵۵۰.۰۰
پاکستان	۰.۰۲	۱۶۱.۱۶	۱۲۵۵۴.۰۰	۱۲۰۵۶.۰۰	۱۰۱۹۲.۰۰	۶۹۶.۰۰	۱۸۲.۵۵	۵۰۶.۰۰
قطر	۰.۴۸	۲۵۵.۳۰	۹۹۳۸۶.۰۰	۵۵۵۵.۰۰	۱۹۹.۷۲	۱۶۹۱.۰۰	۱۰۸۶۹.۰۰	۳۸۹۰.۰۰
عربستان سعودی	۰.۳۴	۱۴۴.۹۸	۲۷۱۳۰.۰۰	۶۸۱۸۴.۰۰	۱۲۹.۷۲	۳۱۲۳۳.۰۰	۲۵۲.۴۴	۴۴۱۵.۰۰
سنگال	۰.۲۹	۱۳۵.۵۴	۴۶۶.۰۰	۲۰۳۸.۹۰	۱۳۸.۹۲	۱۸۰.۰۰	۱۲۹.۶۴	۷۴۳.۰۰
سومالی	۰.۰۵	۸۵.۲۹	۳۳۷۴.۰۰	۵۴۴.۰۰	۸۲.۳۳	۳۲۴.۰۰	۹۳.۳۳	۱۵۰.۰۰
سودان	۰.۳۴	۲۳۶.۴۰	۸۶۹.۰۰	۱۳۸۵.۰۰	۱۹۲.۱۸	۱۵۸۵.۰۰	۳۰۱.۵۵	۵۶۰.۰۰
سورینام	۰.۰۹	۹۲.۶۶	۸۷۳۰.۸۰	۹۲۷.۸۰	۹۹.۶۰	۴۲۷.۸۰	۸۵.۶۴	۴۶۵.۹۰
سوریه	۰.۹۱	۱۳۰.۰۸	۱۳۳۹.۰۰	۶۶۱۱.۸۰	۱۳۸.۰۷	۳۳۹۹.۰۰	۱۱۱.۵۸	۱۲۱۳.۰۰
تاجیکستان	۰.۱۴	۹۹.۰۵	۵۵۱.۰۰	۱۳۵۲.۰۰	۱۰۳.۰۰	۶۸۷.۰۰	۹۴.۵۷	۳۸۹.۰۰
تایلند	۰.۰۶	۶۸.۴۱	۱۶۶۶.۰۰	۸۱۹.۰۰	۶۱.۰۶	۳۵۰.۰۰	۸۶.۶۶	۲۲۶.۰۰
تونس	۰.۶۸	۱۷۹.۱۵	۷۲۳۳۳.۰۰	۹۰۲۰.۸۰	۱۷۳.۲۲	۹۵۵۲.۰۰	۱۸۷.۸۰	۳۵۱۹.۰۰
ترکیه	۰.۵۷	۲۰۶.۲۷	۴۷۲۹.۰۰	۳۵۶۶۱.۰۰	۱۸۵.۳۳	۱۳۳۹۹.۰۰	۲۲۳.۲۰	۲۹۵۹.۰۰
ترکمنستان	۰.۴۹	۱۷۷.۴۵	۲۶۶۵.۰۰	۱۴۰.۸۸	۲۰۹۷.۰۰	۱۴۰.۸۸	۲۲۱.۷۴	۱۱۷۸.۰۰
امارات متحده عربی	۱۳.۹۹	۱۰۴.۴۲	۱۴۴۱۰.۰۰	۳۳۳۲۸.۰۰	۱۳۵.۳۵	۵۰۰۰۰.۰۰	۳۸۷.۸۹	۲۱۶۵۵.۸۰
ازبکستان	۰.۶۷	۱۰۰.۸۸	۶۶۰۱.۸۰	۶۳۶.۰۰	۱۰۰.۸۳	۳۱۳۶.۰۰	۱۰۰.۹۲	۲۲۳۰.۰۰
یمن	۰.۵۷	۱۴۴.۴۲	۵۴۹۸.۰۰	۴۸۰۵.۹۰	۱۴۶.۳۴	۲۲۸۸.۹۰	۹۸.۹۱	۳۳۳۰.۰۰
کل	۱۰۰.۰۰	۳۱۸.۸۰	۴۶۰۷۶۱۰.۰۰	۴۳۸۲۹۳.۰۰	۱۷۹.۳۵	۴۱۳۰۰.۰۰	۲۳۰۴۸۸.۰۰	۲۰۸۳۱۰.۰۰

IMF, Direction of Trade Statistics Quarterly, 2003 (<http://www.imf.org>)

اساس این معیار، هر چه کشوری از قدرت بین‌المللی بالاتری در عرصه اقتصاد بین‌الملل در جهان برخوردار باشد، امکان و توانایی بالاتری جهت تشکیل هسته مرکزی همپیوندی اقتصادی منطقه‌ای داراست.

پنج کشور از سازمان کنفرانس اسلامی که بالاترین درجه آزادی اقتصادی را دارند عبارت‌اند از: بحرین، امارات متحده عربی، کویت، قطر و عمان که در حاشیه جنوبی خلیج فارس واقع شده‌اند و عموماً از سیاست پولی، بانکداری و حقوق مالکیت فکری بهتر از دیگر کشورها برخوردارند. در مقابل کشورهای عراق، سومالی، لیبی، ازبکستان و ایران پائین‌ترین درجه آزادی اقتصادی را دارند و دارای ضعیف‌ترین حقوق مالکیت آثار فکری، مقررات، بانکداری و سرمایه‌گذاری خارجی در میان دیگر اعضا هستند.

۹-۲- اندازه تجارت

جدول (۷)، اندازه تجارت، واردات و صادرات یکایک کشورها و کل سازمان کنفرانس اسلامی را طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۱ نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات آماری ارائه شده در این جدول، کل تجارت (صادرات به علاوه واردات) سازمان در سال ۱۹۹۰، ۴۳۸/۹ میلیارد دلار بوده که حدود ۲۲۰ درصد طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ افزایش یافته و به رقم قابل ملاحظه ۹۶۰/۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسیده است و به این ترتیب متوسط سهم سازمان از کل تجارت جهانی برای سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۷ حدود ۶ درصد بوده است.

از میان کشورهای عضو، مالزی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اندونزی، ترکیه و ایران، هر یک با بیش از ۴ درصد از کل تجارت سازمان، جمعاً ۶۳/۸ درصد از کل تجارت این سازمان را به خود اختصاص داده‌اند و این در شرایطی بوده است که ۳۶ کشور عضو سازمان، کمتر از یک درصد از کل تجارت سازمان را تشکیل می‌دهند. این گویای تجارتی ناهمگون در میان اعضای این سازمان است. گفتنی است که در میان کشورهای عضو طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰، ۲۴ کشور^(۶) توانسته‌اند تجارتشان را به بیش از ۵۰ درصد افزایش دهند.

جهان اسلام با بهبود مازاد تجاری طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۱ مواجه بوده است، به طوری که کل صادرات سازمان در سال ۱۹۹۰، ۲۰۹ میلیارد دلار بوده و در سال ۲۰۰۱ به رقم ۵۴۷ میلیارد دلار رسیده یعنی حدود ۲/۶۲ برابر شده است. ارزش کل واردات سازمان از ۲۳۰/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۴۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ کمتر از ۲ برابر (۱/۷۹) افزایش نشان می‌دهد. به این ترتیب، با وجود آن که در سال ۱۹۹۰، از کسری تجاری به شدت رنج می‌برد، در سال ۲۰۰۱ نه تنها جبران کرد، بلکه با مازاد تجاری قابل ملاحظه‌ای نیز مواجه شد. گفتنی است این بهبود بیشتر متأثر از افزایش قابل ملاحظه قیمت نفت است. میزان صادرات کشورهای امارات متحده عربی، ۳/۸۸ برابر، عربستان سعودی، ۱/۵ برابر، کویت، ۲/۳۳ برابر، اندونزی، ۲/۵۵ برابر و ایران، ۱/۲۲ برابر شد؛ به علاوه کل تجارت به همراه واردات و صادرات یکایک کشورهای عضو از شاخص‌های مناسب برای شناسایی کشورهایی که در تشکیل یک ترتیب تجاری منطقه‌ای است. چرا که اندازه تجارت بالا برای یک کشور در واقع گویای صادرات و واردات بالا و تنوع کمی و کیفی بالای تجارت آن کشور است؛ به این ترتیب انتظار می‌رود بخشی از جریان تجاری در میان اعضا به صورت دو جانبه و چندجانبه صورت پذیرد.

۱۰-۲- درجه باز بودن اقتصاد در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

درجه باز بودن اقتصاد با استفاده از نسبت مبادلات تجاری (مجموع صادرات و واردات کشور) به تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه می‌شود. بر مبنای این شاخص هر چه نسبت مبادلات تجاری کشوری به تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، آن کشور از اقتصاد بازتری برخوردار است. دامنه تغییرات شاخص فوق برای کشورهای عضو سازمان بین ۲۸۹/۰۳ (امارات متحده عربی) و ۲۸/۴۷ (سودان) در نوسان بوده که گویای ناهمگونی به مراتب بالای اقتصاد کشورهای عضو این سازمان است و در واقع این سازمان بسته‌ترین و بازترین اقتصادها را در خود جای داده است. اگر میزان بیش از ۱۲۰ را «بازترین اقتصادها»، بین ۷۵ و ۱۲۰ را «اقتصاد باز» و کمتر از ۳۵ را «اقتصاد بسته» تعریف نمائیم، آنگاه اقتصاد کشورهای امارات عربی، تاجیکستان، گویان، مالزی و بحرین با رقم بیشتر از ۱۲۰ در گروه بازترین اقتصادها قرار دارند؛ در مقابل کشورها سودان، نیجر، پاکستان، بنگلادش و جیبوتی با رقم کمتر از ۳۵ در گروه بسته‌ترین اقتصادهای عضو قرار دارند. بقیه کشورها که بخش غالب اعضای سازمان را شامل می‌شود، در گروه اقتصادهای نیمه‌باز و متوسط قرار دارند. بسته بودن اقتصاد این کشورها به معنای پایین بودن نسبی سهم مبادلات تجاری در تولید ناخالص داخلی این کشورهاست که نهایتاً موجب پایین بودن سطح مبادلات تجاری در بین آن کشورها با یکدیگر می‌شود. افزون بر آن می‌تواند انواع و اقسام محدودیت‌هایی را که در توسعه تجارت آن کشورها وجود دارد، هم منعکس می‌کند.

بر مبنای معیار مذکور، هر چه اقتصاد کشوری بازتر باشد، آن کشور دارای موقعیت مناسب‌تری برای تشکیل همپیوندی اقتصادی منطقه‌ای است، چرا که درجه باز بودن اقتصاد به طور ضمنی حکایت از دسترسی آسان‌تر به بازار داخلی آن کشور یعنی در واقع برچیده شدن محدودیت‌های مقداری و به حداقل رسیدن موانع تعرفه‌ای در تجارت آن کشورها دارد که این محدودیت‌ها برای بقیه کشورها که شرایط همپیوندی را ندارند، بیشتر موضوعیت دارد.^(۷)

۱۱-۲- سهم کالاهای ساخته شده صنعتی از صادرات کشورهای عضو سازمان

بررسی اقلام کالاهای صادراتی منتخب (۵۰ قلم از مهمترین کالاهای صادراتی) کشورهای عضو سازمان حکایت از آن دارد که سهم چشمگیری از صادرات این کشورها را مواد کانی معدنی (نظیر نفت خام و فرآورده‌های آن) تشکیل می‌دهد و کالاهای صنعتی و مواد غذایی در مقام بعدی قرار دارند. به این ترتیب کالاهای صنعتی سهم نازلی از صادرات اغلب این کشورها را تشکیل می‌دهند در مقابل بخش مهمی از صادرات این کشورها را کالاهای خام اولیه تشکیل می‌دهد. در جدول (۸)، سهم کالاهای خام و صنعتی از کل صادرات اعضا برای دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ منعکس شده است. با دقت در اطلاعات آماری ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که طی دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تحولات خاصی در ساختار کالایی کشورهای عضو این سازمان اتفاق نیفتاده و تنها ساختار صادراتی سه کشور مالزی، اندونزی و مراکش به طور محسوس متحول شده و سهم کالاهای صنعتی از صادرات کالا رو به افزایش گذاشته است و همچنان در سال ۲۰۰۰، در ۲۵ کشور از ۳۵ کشور مورد بحث، بیش از ۷۰ درصد از صادرات را مواد اولیه تشکیل

جدول (۸): ساختار تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

شرح	درجه باز بودن اقتصاد		صادرات کالا و خدمات (از GDP)		صادرات کالا یا خدمات از GDP		صادرات کالای خام از GDP		صادرات صنعتی از GDP		رابطه صادرات و تولید
	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	
آلبانی	۴۳.۰۴	...	۱۹	۱۵	۱۹	۱۵	۱۹	۱۸	...	۸۲	...
الجزایر	۵۹.۱۶	...	۲۲	۲۳	۴۲	۲۳	۹۸	۹۷	۳	۲	۳۶
اندونزی	۷۰.۶۶	...	۳۸	...	۴۶	...	۹۲	...	۸
بحرین	۱۲۲.۶۱	...	۶۳	۱۱۶	۸۲	۱۱۶	۸۹	۹۱	۹	۱۱	...
بنگلادش	۳۲.۳۳	...	۱۹	۶	۱۴	۶	۹۷	۹	۷۷	۹۱	۹۷
بنین	۲۵.۲۷	...	۲۹	۱۴	۱۵	۱۴	۳	۱۰۱
برزیل دارالسلام	۹۰.۰۲	۸۹	۱۰۰	۰	۱۱	۶۸
بورکینافاسو	۳۷.۱۷	...	۲۰	۱۳	۳۱	۱۳	۱۷۰
کامرون	۳۶.۶۹	...	۲۷	۲۰	۳۱	۲۰	۹۲	۹۱	۹	۵	۸۴
چاد	۵۷.۰۷	...	۳۲	۱۳	۱۷	۱۳	۸۵
کومور	۴۲.۵	...	۳۲	۱۴	۲۶	۱۴	۸	۵۷
جیبوتی	۳۲.۵	...	۶۳	...	۴۵	...	۴۴	...	۸
مصر	۱۸.۶	...	۲۳	۲۰	۱۶	۲۰	۵۸	۵۷	۴۲	۳۷	۴۹
کامبوج	۸۱.۳۳	...	۳۵	۴۶	۳۷	۴۶	۴۹
کانیا	۵۶.۹۰	...	۶۱	۶۱	۲۸	۶۱	۹۴	۵	...
کینه	۵۳.۸۳	...	۳۱	۳۱	۲۶	۳۱	۷۰	۳۰	...
کینه بیسائو	۱۹.۵	...	۵۸	۱۰	۳۲	۱۰	۸۳
کویت	۱۵۳.۴۶	...	۸۰	۱۱۱	۹۷	۶۳	۷۰
اندونزی	۶۶.۹۴	...	۳۱	۲۵	۳۹	۲۵	۶۵	۶۵	۳۵	۵۷	۵۶
ایران	۳۹.۹	...	۲۴	۲۱	۳۵	۲۲	۴۳	۷	۳۵
اردن هاشمی	۸۵/۸۴	...	۹۳	۶۹	۴۲	۶۲	۳۱	۶۹	۱۲۰
فرانسه	۸۲.۴۷	...	۴۷	...	۵۹	...	۸۰	۲۰	...
کویت	۶۳.۱۶	...	۵۸	۳۱	۵۷	۴۵	۹۴	۹۴	۶	۲۰	۷۳
قبرس	۷۲.۵۶	...	۵۰	۵۵	۴۳	۲۹	۴۰
لیتوان	۴۹.۵۸	...	۱۰۰	۳۸	۱۳	۱۸	۸۲
مالتی	۱۸۰.۴۶	...	۷۲	۱۰۴	۷۵	۷۵	۱۹	۴۶	۵۴	۸۰	۴۷
مالدیو	۷۸.۵۰	...	۷۰	۸۶	۲۷	۲۷	۴۶	...
مالی	۶۸.۸۳	...	۳۴	۴۰	۱۷	۱۷	۲	...	۸۵
موریتانی	۸۴.۰۳	...	۶۱	۵۷	۴۶	۴۶	۱۴۴
مراکش	۵۴.۳	...	۳۲	۳۷	۱۶	۱۶	۴۸	۴۸	۵۲	۶۴	۱۱۶
موزامبیک	۵۹.۷۶	...	۳۶	۳۹	۸	۸	۹۰	۹۰	...	۱۰	۳۴
جمهوری بنین	۳۴.۶۷	...	۲۲	۲۲	۱۵	۱۵	۹۷	۹۷	...	۲	۴۱
جمهوری فدرال نیجریه	۸۲.۴۸	...	۲۹	۴۱	۴۳	۴۳	۱۰۰	۳۳
پادشاهی عمان	۱۱۲.۴۵	...	۳۱	۵۳	۹۴	۵۳	۸۷	۹۴	۵	۱۲	۷۹
پاکستان	۳۱.۵۴	...	۲۳	۱۹	۱۶	۱۶	۲۱	۲۱	۱۹	۸۵	۱۰۷
قطر	۹۸.۳	۸۴	...	۹۰	۸۴	۱۶	۱۰	۵۳
سريلانكا-موردي	۵۷.۲۹	...	۳۶	۲۶	۴۰	۴۶	۹۳	۹۳	۷	۷	۴۵
سنگال	۶۲.۸۱	...	۳۰	۴۰	۳۱	۲۵	۶۹	۷۷	۲۳	۳۰	۱۰۲
سیرالئون	۳۵	۳۳	۱۷	۲۴	۱۰۵
سودان	۲۸.۴۷	...	۱۶	...	۱۷	۳	۶۱
سورینام	۱۰۸.۶۲	...	۳۷	۱۷	۱۷	۲۸	۲۲	۲۶	۷۴	۷۸	۶۷
سویزی	۵۱.۳۷	...	۳۸	۳۵	۳۸	۲۸	۶۴	۶۴	۳۶	۸	۵۷
تاجیکستان	۱۳۳.۹۱	...	۳۵	۸۵	۲۸	۲۸
توگو	۴۸.۴۲	...	۴۵	۵۰	۳۶	۳۳	۸۹	۸۹	۹	۳۱	۱۰۴
تونس	۸۲.۸۸	...	۵۱	۴۸	۴۴	۴۴	۳۱	۳۱	۶۴	۷۷	۸۴
ترکیه	۳۶.۳۸	...	۱۸	۳۱	۲۴	۱۳	۳۲	۳۲	۱۸	۶۸	...
ترکمنستان	۱۰۷.۴۸	...	۵۳	...	۶۳	...	۹۲	۷	...
اوگاندا	۱۹	۲۶	۱۰	۷	۹۲	۶	۲۰
امارات متحده عربی	۲۸۹.۰۳	...	۴۰	۶۵	...	۶۵	۵۴	...	۴۶	...	۴۰
ازبکستان	۸۳.۴۴	...	۴۸	۳۹	۴۴	۲۹
بلیز	۶۴.۶۹	...	۳۰	۴۱	۱۴	۱۴	۴۹	۱	...

Source: WB, World Development Report, 2002.

است: $Pij=ti \cdot Iij$

که در آن: $Xi/GDPi=ti$ نسبت کل صادرات به تولید ناخالص داخلی کشور است.

این شاخص برای نشان دادن این مفید است که، وقتی یک کشور در یک موافقتنامه تعرفه ترجیحی^(۱۱) شرکت می کند، ممکن است ارزش صادرات کشور افزایش یابد، حتی تجارت با برخی کشورهای خاص کاهش یابد. بدین ترتیب، این شاخص علاوه بر اینکه کشش درآمدی تقاضای وارداتی گذشته نگر محاسبه شده را تکمیل می کند، بلکه افزایش تجارت برون منطقه ای را نیز نشان می دهد (اندرسون و نورهیم، ۱۹۹۳). این برداشت از شاخص فوق وقتی تقویت می شود که به صورت سری زمانی ارائه شود که تغییرات تجارت دو سویه را نیز نشان می دهد.

شاخص شدت تجارت ارائه شده را به گونه ای دیگر برای کشورهای عضو می توان بکار گرفت، به این ترتیب که از حاصل نسبت سهم صادرات یکایک کشورهای عضو به کل صادرات سازمان (Xoic.ri/Xoic) به کل واردات آن کشورها از جهان به کل واردات جهانی (Moic/Mw) به دست آورد. اما از آنجا که مخرج کسر برای تمامی کشورها ارقام ثابتی خواهد بود و تنها صورت کسر برای کشورهای مورد بررسی تغییر خواهد یافت. به عبارت دیگر صورت کسر نیز همان سهم صادرات یکایک کشورهای عضو آن سازمان از کل صادرات آن کشورها را نشان می دهد که در واقع حکایت از آن دارد که به چه میزان از صادرات یکایک کشورها به سازمان عرضه می شود. بدین ترتیب هر چه شاخص مذکور ارقام بالایی را به خود اختصاص دهد (حداکثر ۱۰۰ درصد) حکایت از آن دارد که آن کشور عضو مناسبی برای آن همپیوندی می تواند باشد و نیز هر چه این شاخص ارقام نازلی را به خود اختصاص دهد (حداقل رقمی نزدیک به صفر) حاکی از آن است که طبیعت تجارت آن کشور به گونه ای است که ارتباطات تجاری و مبادلات دو جانبه نازلی بین آن صورت پذیرفته و لذا عضوی مناسب برای سازمان نمی تواند باشد. بعضی از همپیوندی های اقتصادی منطقه ای از همان ابتدای تاسیس از فرضیه شرکای طبیعی تجاری برخوردار بوده اند و لیکن این فرضیه در مورد تشکل اقتصادی منطقه ای سازمان کنفرانس اسلامی از تایید کافی برخوردار نیست و البته برای کشورهای مستقل هم سود عضو سازمان موضوعیت دارد. طی سه دهه گذشته حجم صادرات درون منطقه ای اکو و شورای همکاری خلیج فارس از ترتیبات منطقه ای واقع در کشورهای اسلامی از ۲/۲ و ۴/۶ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۸/۳ و ۴/۵ تغییر یافته است و طی دوره نیز از نوساناتی محسوسی مواجه بوده است و به این ترتیب با وجود آنکه حجم صادرات درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس تغییر محسوسی نیافته اما حجم صادرات درون منطقه ای اکو به بیش از ۳/۸ برابر رسیده که حکایت از توسعه تجارت درون منطقه ای دارد. البته ناگفته نماند از سال ۱۹۹۱ به بعد تعداد اعضای اکو از سه کشور به ۱۰ کشور افزایش یافته که احتمالاً این موضوع در افزایش تجارت درون منطقه ای اکو بی تاثیر نبوده است.

۱۳-۲- شاخص تمرکز صادرات و واردات کشورهای عضو

شاخص تمرکز^(۱۲) به طور بسیار دقیقتری ساختار صادراتی کشورها را مورد بحث قرار می دهد، حال آنکه «شاخص تنوع»^(۱۳) به طور دقیقتری کشورهایی را که از جنبه تنوع مقایسه می شوند مشخص می کند. دامنه هر دو شاخص بین صفر و یک است، که رقم یک تمرکز بیش از حد را نشان

می دهد و این در حالی است که در همان سال، تنها ده کشور از این کشورها، بخش مهمی از صادرات کالا (بیش از ۵۰ درصد)، کالاهای صنعتی تشکیل می داد که در واقع تک محصولی بودن بسیاری از کشورهای عضو و عدم تحول توسعه صادرات صنعتی آن کشورها را یادآوری می کند. این موضوع نه تنها سبب شده که روابط تجاری دو جانبه و چندجانبه در میان کشورهای عضو به طور چشمگیری کاهش یابد، بلکه منافعی که آن کشورها از تجارت به دست می آورند، به طور معنی داری روبه کاهش گذاشته است؛ به طوری که رابطه مبادله قیمتی (خالص تهاتری) محاسبه شده برای ۳۸ کشور عضو در سال ۱۹۹۹ (۱۹۸۰=۱۰۰) گویای آن است که رابطه مبادله قیمتی ۳۰ کشور رو به نقصان گذاشته و تنها رابطه مبادله ۸ کشور رو به بهبود گذاشته که در این میان، بهبود در رابطه مبادله قیمتی بوز کینافاسو، اردن، موریتانی و مراکش چشمگیر بوده است.

به طور کلی هر چه سهم کالاهای صنعتی از کل صادرات کشورها بیشتر باشد، امکان توسعه صدور آن به دیگر کشورها که وارد کننده خالص کالاهای صنعتی هستند، بیشتر است و لذا این شاخص را بر حسب بالاترین به پایین ترین رقم در محاسبه رتبه کشورها جهت تشکیل هم پیوندی اقتصادی منطقه ای می توان مورد استفاده قرار داد.^(۱۴)

۱۲-۲- شاخص شدت تجاری در کشورهای عضو سازمان

جریان تجاری دوجانبه میان دو کشور، تحت تاثیر اندازه کل تجارت دو کشور صادر کننده و وارد کننده قرار می گیرد و در نتیجه با توجه به متفاوت بودن اندازه تجارت کشورها، نمی توان حجم مبادلات آن ها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد. برای رفع این نقیصه از «شاخص شدت تجارت»^(۱۵) استفاده می شود. این شاخص، تجارت بین دو کشور را بدون توجه به اندازه کشورهای طرف مبادله اندازه می گیرد. این شاخص با استفاده از حاصل نسبت Xij/Xi به Mj/Mw محاسبه می شود. در این رابطه، Xi صادرات کشور i به کشور j ، Mj/Mw کل واردات جهانی از آنجایی که متوسط این شاخص معادل یک می باشد، لذا بیشتر بودن مقدار شاخص از عدد یک بیانگر بیشتر بودن شدت تجارت بین آن دو کشور بوده و هر چه مقدار این شاخص به صفر نزدیکتر باشد، نشان دهنده کمتر بودن شدت تجارت بین دو کشور است.

شاخص شدت تجارت (Iij) نشان می دهد که اگر تجارت در یک منطقه جغرافیایی انحرافی نداشته باشد (قسمتی از تجارت کشور i به کشور j منطقه j که باید مبادله شود برابر با وزن / سهم j در بازار جهانی است)، پس ارزش شاخص شدت تجارت کشور j برابر واحد می شود، اما اگر شاخص بالاتر (پائینتر) از واحد باشد، کشور i تجارت دو جانبه بیشتر (کمتر) - با توجه به سهم j از واردات جهانی - دارد. تعدادی از اقتصاددانان از جمله اندرسون و نورهیم (۱۹۹۳)، درایسدل و گارنوت (۱۹۸۲) این شاخص را برای مناطق جهان بکار بردند و ییتس (۱۹۹۷) از آن برای مرکوسور استفاده کرد.

رابطه کلی شاخص شدت تجاری به این صورت است: $Iij = Xij / mij$ که در آن:

$Xij/Xi = Xij$ سهم صادرات کشور i به کشور j از کل صادرات کشور i ،

$Mi/Mw = mij$ سهم واردات کشور j از کل واردات جهانی

رابطه کلی میل به صادرات درون یا برون منطقه ای^(۱۶) به صورت زیر

می دهد. میزان اثرپذیری تجارت و درجه آسیب پذیری اقتصادها از تحولات بازار جهانی را نیز می توان از طریق محاسبه شاخص تمرکز تجاری فهمید و به اصلاح آن از طریق سیاست ها و برنامه های توسعه اقدام کرد. این امر برای اقتصادهای تک محصولی جهت تغییر در روند جریان مبادلات تجاری به ویژه توسعه و تنوع کیفی صادرات و شناسایی بازارهای جدیدتر برای کاهش درجه آسیب پذیری در مبادلات اهمیت دارد.

شاخص تمرکز صادرات و واردات برای کشورهای عضو طی سال های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ در جدول (۹) درج شده است.

در یک بررسی کلی، شاخص تمرکز بیش از ۷۰ درصد را «تمرکز بالا»، بین ۷۰ و ۳۰ درصد را «تمرکز متوسط» و کمتر از ۳۰ درصد را «تمرکز پایین» در نظر گرفته ایم که بر این اساس، شاخص تمرکز برای کشورهای عضو سازمان در سال ۱۹۸۰، گویای آن است که تعداد معدودی کشور شامل ترکیه، کویت، لبنان، پاکستان، سنگال و یمن از تمرکز پایین در صادرات (کمتر از ۳۰ درصد) برخوردار بوده اند و طی ۲۰ سال اخیر شاخص تمرکز در صادرات کشورهای عضو سازمان با تحولاتی مواجه بوده است، به نحوی که در سال ۲۰۰۰، شاخص تمرکز محاسبه شده برای ۴۶ کشور عضو به ترتیب شاخص تمرکز بالا (۹ کشور)، شاخص تمرکز متوسط (۲۷ کشور) و شاخص تمرکز پایین (۱۰ کشور) بوده است که در مجموع گویای آن است اعضای این سازمان در راستای تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی حرکت کرده اند و اما همچنان شاخص تمرکز صادرات بسیاری از کشورها متوسط و بالا بوده است و بعلاوه اینکه بسیاری از اقتصادها با شاخص تمرکز بالا و متوسط، متکی بر صدور منابع طبیعی، معدنی و کشاورزی می باشند، این در شرایطی بوده است که نتایج محاسبه شاخص تمرکز در واردات برای کشورهای عضو این سازمان در سال ۲۰۰۰، گویای آن است که تنها یک کشور از شاخص تمرکز واردات بالا در واردات مواجه بوده و در مقابل بسیاری از کشورها (۴۵ کشور) از شاخص تمرکز پایین برخوردار بوده اند. تنوع در واردات این کشورها علاوه بر اینکه تاکید دیگری بر ساختار در حال توسعه بودن این کشورهاست، تا حدودی مؤید هدفمند نبودن واردات و وابستگی به واردات گروه های کالایی مختلف در ازای درجه تمرکز بالای صادراتی و ساختار ناهمگون و غیر متجانس اقتصاد و تک محصولی بودن صادرات آن کشورها نیز می باشد. بعلاوه باید گفت که بازار کشورهای مورد بررسی جاذب هر گونه کالای وارداتی بوده و استعداد این بازارها برای توسعه مبادلات درون گروهی به شرط امکان تامین کالای مورد نیاز این کشورها در داخل بسیار زیاد است.

۱۴-۲- بررسی موانع تعرفه ای کشورهای عضو سازمان طی سال های ۱۹۸۹-۲۰۰۱

گزارش بانک جهانی تحت عنوان «چشم اندازهای اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۱»، نشان می دهد که میانگین میزان های تعرفه در کشورهای در حال توسعه از ۳۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به حدود ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰، یعنی به نصف کاهش یافته است. کاهش مطلق در میزان های تعرفه در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی بوده است، البته کاهش از سطوح بالاتر احتمالاً منافع رفاهی بیشتری را نسبت به کاهش های متناظر در سطوح پایین تر تعرفه در بر دارد (مارتین، ۱۹۹۷)، پراکنش میزان های تعرفه، اساساً کاهش یافته بود (آندرسون، ۱۹۹۵). ممکن است ابتدا تصور شود که کاهش تعرفه ها بازتابی از جایگزینی موانع غیر تعرفه ای با تعرفه هاست، اما برخی شواهد و قراین گویای آن است که

موانع غیر تعرفه ای نیز رو به کاهش گذاشته است. برای نمونه، علاوه بر کاهش تعرفه ها، پوشش موانع غیر تعرفه ای شامل انحصارات مؤسسات تجاری دولتی در کشورهای در حال توسعه به طور چشمگیری کاهش یافته است.

میزان تعرفه برای کل تولیدات و تولیدات صنعتی طی یک دوره ده ساله (۹۹-۱۹۸۹) برای کشورهای عضو سازمان در جدول (۱۰) ارائه شده است. نگاهی به داده های آماری (موانع تعرفه ای کالاهای صنعتی) در آن جدول گویای آن است که: بالاترین میانگین میزان تعرفه به کشور پاکستان و تونس تعلق داشته و حال آنکه پایین ترین میانگین میزان تعرفه کالاهای صنعتی به کشورهای عمان، سوریه و ترکیه اختصاص یافته است. به نظر می آید هر چه کشوری توسعه یافته تر باشد، موانع تعرفه ای آن نیز به طور منطقی نازلتر است و در مقابل اغلب کشورهای کمترین درجه توسعه یافتگی سطح موانع تعرفه ای چشمگیری برای واردات کالاهای صنعتی اعمال کرده اند. اما، مطابق این جدول میانگین ساده تعرفه واردات کالاهای صنعتی در سال ۱۹۸۹ برای ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه هم ردیف (همسان) اقتصاد ایران از جمله بنگلادش (۱۱۰/۵)، مصر (۲۵/۸)، اندونزی (۲۲/۳)، مالزی (۲۰/۳)، پاکستان (۵۱/۴)، عربستان سعودی (۱۲/۶) و ترکیه (۷/۲) بوده که به استثنای دو کشور ترکیه و عربستان سعودی، به طور کلی میانگین ساده تعرفه واردات کالاهای صنعتی کشورهای مذکور ارقام قابل ملاحظه ای بوده است، این در حالی است که میانگین ساده تعرفه برای کالاهای صنعتی در سال ۱۹۹۹ برای بنگلادش (۲۲)، مصر (۲۰/۲)، اندونزی (۱۰/۷)، مالزی (۷/۵)، پاکستان (۴۶/۹)، عربستان سعودی (۱۲/۶) و ترکیه (۵/۹) در سال ۱۹۹۷ روبه کاهش نهاده است. طی این دوره، میانگین ساده تعرفه برای کالاهای صنعتی برای بسیاری از کشورهای مورد بحث بخصوص بنگلادش، هند، اندونزی و مالزی به نصف کاهش یافته است. این کاهش چشمگیر در موانع تعرفه ای این کشورها علاوه بر اینکه موانع دسترسی به بازار داخلی این کشورها را به طور چشمگیری کاهش داده، بلکه نقش موانع تعرفه ای در تجارت را به طور معنی داری کم رنگ تر کرده است.

این در شرایطی است که از بررسی سیاست تجاری ایران ملاحظه می شود قبل از پیروزی انقلاب - به رغم وجود قانون انحصار تجارت خارجی - دست بخش خصوصی در واردات و صادرات عملاً آزاد گذاشته شده بود. به عبارتی در فاصله سال های ۵۷-۱۳۳۹ متوسط میزان تعرفه های وصول شده از کل واردات ۱۵/۹ درصد بود، در حالی که این رقم در سال های ۶۹-۱۳۵۸، به ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش نشان می دهد بازرگانی خارجی در سال های بعد از انقلاب بیش از پیش در دست دولت متمرکز بوده، و محدودیت های تعرفه ای و غیر تعرفه ای افزایش یافته است. این شرایط در سال های دو برنامه اول و دوم توسعه تا سال ۱۳۷۸ کمابیش تداوم یافت و اما از سال ۱۳۷۸ با شروع برنامه سوم توسعه با گنجانده شدن موضوع بسیار مهم معادل تعرفه ای موانع غیر تعرفه ای در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه، تحولات اصلاحی مهمی در سیاست تجاری صنعتی کشور به وقوع پیوسته است، که از آن جمله می توان به کاهش تعداد کدهای دارای مجوز وزارت صنایع اشاره کرد که از ۳۱۰۰ کد (ردیف تعرفه) در سال ۱۳۷۸ به ۲۲۶۲، ۳۴،۲۰۸ و کد (ردیف تعرفه) به ترتیب در سال های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ کاهش یافت. ناگفته نماند که طی سال های ۸۲-۱۳۷۸ میانگین تعرفه واردات کالاهای صنعتی به ترتیب ۱۳/۱۲،

جدول (۹): شاخص تمرکز صادراتی و وارداتی کشورهای عضو OIC درصد

شاخص تمرکز واردات	شاخص تمرکز صادرات		شرح
	۱۹۸۰	۲۰۰۰	
۰/۰۸(۹۸)	۰/۰۹(۹۶)	۰/۲۲(۹۸)	آلبانی
۰/۰۹(۹۹)	۰/۰۶	۰/۵۷(۹۹)	الجزایر
۰/۰۹(۹۹)	...	۰/۵۱(۹۹)	آذربایجان
۰/۰۷(۹۶)	۰/۰۷(۹۴)	۰/۵۴(۹۶)	بحرین
۰/۱۱(۹۸)	۰/۱۱	۰/۳۲(۹۸)	بنگلادش
۰/۱۸(۹۸)	۰/۱۴(۹۵)	۰/۷۸(۹۸)	بنین
۰/۰۷(۹۸)	۰/۰۶(۸۶)	۰/۶(۹۸)	برونئی دارالسلام
۰/۱۵(۸۳)	۰/۱۲	۰/۵۴(۸۳)	بورکینافاسو
۰/۱۲(۹۹)	۰/۰۹	۰/۳۷(۹۹)	کامرون
۰/۱۸(۹۵)	چاد
۰/۱۱(۹۲)	۰/۱۲	۰/۵۸(۹۲)	چیبوتی
۰/۰۷(۹۹)	۰/۰۹(۸۱)	۰/۲۷(۹۹)	مصر
۰/۰۷(۹۶)	۰/۰۷	۰/۸۱(۹۶)	کابین
۰/۱۶(۹۸)	۰/۱۷(۹۵)	۰/۶۲(۹۸)	کامبیا
۰/۱۳(۹۷)	۰/۱۹(۹۵)	۰/۶۷(۹۷)	گینه
۰/۳۲(۹۵)	۰/۱۴(۷۶)	۰/۸۸(۹۵)	گینه بیسائو
۰/۱۱(۹۲)	۰/۳۱(۸۱)	۰/۵۴(۸۱)	گویان
۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۳	اندونزی
۰/۰۹(۹۹)	۰/۰۹(۹۷)	۰/۸۳(۹۹)	ایران
۰/۰۸	۰/۱۷(۸۱)	۰/۱۶	اردن هاشمی
۰/۸(۹۹)	...	۰/۳۵(۹۹)	قزاقستان
۰/۹(۹۹)	۰/۷(۸۷)	۰/۵۲(۹۹)	کویت
۱/۰(۹۹)	۲(۹۵)	۰/۴(۹۹)	قرقیزستان
۱۳(۷۷)	۱۳(۷۷)	۰/۲۳(۷۷)	لبنان
۰/۸(۹۷)	۰/۸(۸۳)	۰/۷۷(۹۷)	لیبی
۲۷(۹۹)	۰/۱۱	۰/۳۲(۹۹)	مالزی
۱(۹۷)	۱(۹۵)	۰/۴۵(۹۷)	مالدیو
۱(۹۷)	۰/۳۲	۰/۸۵(۹۷)	مالی
۲۲(۹۶)	۱۸(۹۵)	۰/۵۴(۹۶)	موریتانی
۰/۸(۹۹)	۰/۱۹	۰/۸۸(۹۹)	مراکش
۱۱(۹۲)	۱۳(۹۴)	۱/۰(۹۶)	موزامبیک
۱۵(۹۸)	۰/۲۳	۰/۶۸(۹۸)	نیجر
۱(۹۹)	۲۱(۹۱)	۰/۹۹(۹۹)	فدرال نیجریه
۱(۹۹)	۱۳(۸۱)	۰/۷۳(۹۹)	عمان
۱(۹۹)	۱۳(۸۱)	۰/۲۲	پاکستان
۰/۸(۹۴)	۰/۰(۸۱)	۰/۶۳(۹۴)	قطر
۰/۰(۹۸)	۰/۰۶	۰/۶۹(۹۸)	عربستان سعودی
۱(۹۹)	۰/۱۸	۰/۲۴(۹۹)	سنگاپور
۱۴(۸۴)	۳(۸۳)	۰/۴۲(۸۴)	سیرالئون
۱۶(۸۲)	۱۲(۸۱)	۰/۹۱(۸۲)	دموکراتیک و مالی
۱۱(۹۸)	۱۳(۹۵)	۰/۳۱(۹۸)	سودان
۱۱(۹۹)	۱۰(۸۸)	۰/۶۱(۹۸)	سورینام
۱۳(۹۹)	۰/۱۷	۰/۶۳(۹۹)	سوریه
۲۷(۹۹)	۰/۱۶	۰/۴۲(۹۹)	توگو
۰/۸(۹۹)	۰/۱۱	۰/۲(۹۹)	تونس
۰/۷(۹۹)	۲۶(۸۵)	۰/۱(۹۹)	ترکیه
۱(۹۸)	۱۱(۹۷)	...	ترکمنستان
۱۱(۹۹)	۰/۷(۹۴)	۰/۵۶(۹۹)	اوگاندا
۰/۸(۹۳)	۰/۰(۸۴)	۰/۳۲(۹۳)	امارات متحده عربی
۰/۸(۹۸)	۳۷(۹۱)	۰/۹۲(۹۸)	یمن

Source: UNCTAD.2003

جدول (۱۰): موانع تعرفه‌ای کل تولیدات و تولیدات صنعتی کشورهای عضو OIC

تولیدات صنعتی		کل تولیدات		شرح
۲۰۰۱	۱۹۸۹	۲۰۰۱	۱۹۸۹	
۱۱٫۸	۱۷	۱۱٫۳	۱۷٫۲	آلبانی
۲۲٫۴	۲۲٫۹	۲۲٫۶	۲۲٫۹	الجزایر
۷٫۶		۷٫۵		بوسنی و هرزگوین
۲۱٫۶	۱۰۶٫۲	۲۱٫۵	۱۰۸٫۷	بنگلادش
۱۴٫۷		۱۴٫۵		بینین
۱۲٫۸	۲۵٫۶	۱۲٫۴	۲۵٫۵	بورکینافاسو
۱۸	۱۹٫۴	۱۷٫۴	۱۸٫۶	کامرون
۲۰٫۵	۲۵٫۶	۲۰٫۲	۲۵٫۶	مصر
۱۸٫۸	۲۰٫۶	۱۷٫۹	۱۹٫۶	کان
۱۸٫۷	۱۹٫۹	۱۷٫۵	۱۸٫۴	کینه
۱۴		۱۳٫۳		کینه بیسانو
۱۱٫۷	۲۲٫۴	۱۰٫۶	۲۱٫۱	گویان
۸٫۴	۲۲	۸٫۹	۲۲٫۱	اندونزی
۴٫۹		۵		ایران
۱۶٫۲	۲۲٫۸	۱۵٫۴	۲۲٫۱	اردن هاشمی
۸٫۳	۱۲٫۶	۶٫۲	۱۲٫۳	لبنان
۲۷٫۴		۲۵٫۶		جمهوری
۹٫۲	۱۷	۱۰٫۸	۱۷٫۳	مالزی
۱۲٫۹	۱۶٫۴	۸٫۴	۸٫۵	مالی
۱۲٫۱		۱۰٫۵		موریتانی
۳۲٫۶	۶۶٫۶	۲۴٫۶	۵۰٫۲	مراکش
۱۳٫۴	۵	۱۱٫۲	۵	موزامبیک
۱۴٫۵		۱۴٫۴	۲۵٫۳	نیجر
۲۱٫۸	۲۶	۱۹٫۹	۵۰٫۱	نیجریه
۴٫۷	۵۰٫۵	۴٫۹	۵۱٫۵	عمان
۲۰٫۶	۵۰٫۸	۲۰٫۵		پاکستان
۱۲٫۳	۱۲٫۵	۱۲٫۴	۱۲٫۶	عربستان سعودی
۱۴		۱۳٫۸		سنگال
۵٫۳		۴٫۷		سودان
۱۴٫۵		۱۴٫۴		توگو
۳۰٫۶	۲۸٫۴	۳۰٫۵	۲۸٫۶	تونس
۸٫۴	۷٫۴	۶٫۳	۷٫۶	ترکیه
۹٫۶		۹٫۷		ازبکستان

Source: UNCTAD, 2003

بودن سهم کالاهای صنعتی در صادرات تا حدودی قابل توجیه بود، اما با افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات این کشورها و نیز پیگیری سیاست‌های توسعه صادرات و کاهش شدید میزان‌های تعرفه دولت کامله‌الوداد در سازمان تجارت جهانی و نیز تعمیم حیطه‌های تحت شمول آن به کشاورزی، خدمات و تدابیر سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، تا حدود زیادی موضوعیت خود را از دست داده است. تلاش در جهت عضویت فعال در سازمان تجارت جهانی و نیز فعالیت چشمگیر در دیگر ترتیبات تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر، بسترهای مناسب توسعه تجارت منطقه‌ای اعضای سازمان را می‌تواند فراهم آورد؛ به عبارتی انتظار می‌رود کشورهای مسلمان با تقویت پیمان‌های منطقه‌ای و حضور فعال در آن و عضویت در،

از دیگر دلایل دور ماندن کشورهای اسلامی از روند جهانی شدن، عدم عضویت در ترتیبات تجارت منطقه‌ای و سازمان‌های تجارت جهانی بوده است. این عدم عضویت گرچه تا چندی پیش به دلیل باز بودن نسبی اقتصاد و امتیازاتی که شرکای عمده تجارتی در نظر می‌گرفتند و نیز پایین

۱۵-۲- عضویت کشورهای عضو سازمان در ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی

از دیگر دلایل دور ماندن کشورهای اسلامی از روند جهانی شدن، عدم عضویت در ترتیبات تجارت منطقه‌ای و سازمان‌های تجارت جهانی بوده است. این عدم عضویت گرچه تا چندی پیش به دلیل باز بودن نسبی اقتصاد و امتیازاتی که شرکای عمده تجارتی در نظر می‌گرفتند و نیز پایین

امکان بهره‌گیری از ترجیحات و امتیازات موجود در این عرصه‌ها را برای اقتصاد این کشورها فراهم کنند و در غیر این صورت، ورود این کشورها به فرآیند جهانی شدن با هزینه‌هایی مواجه خواهند شد. ناگفته نماند از ۵۷ کشور عضو سازمان (از جمله فلسطین)، ۳۹ کشور به عضویت درآمده‌اند و ۱۸ کشور نیز عضو نیستند. از ۱۸ کشور غیر عضو، ۱۲ کشور در حال الحاق، ۲ کشور متقاضی الحاق و بقیه نیز نه در خواستی برای عضویت داده‌اند و نه در حال الحاق هستند.

پی‌نوشت‌ها:

* مقاله حاضر از فصل سوم طرح تحقیقاتی «امکان سنجی تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای کارآمد در سازمان کنفرانس» انجام شده در مدیریت بازار مشترک موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی برگرفته شده است.

۱- در مورد فاصله، آزمون تجربی گیرش (Giersh, ۱۹۹۹) در بین کشورهای اروپایی نشان داد که فاصله قسمت عمده انحرافات ملاحظه شده در جریان‌های تجاری بین کشوری (به جز در مورد انگلستان) را توضیح می‌دهد. گفتنی است در مورد انگلستان، آرزان بودن نسبی هزینه‌های حمل و نقل دریایی منجر به تضعیف نقش هزینه‌های حمل و نقل می‌شود. بکرمن (Beckerman, ۱۹۵۶) نشان داد که فاصله جغرافیایی در بین کشورها دارای اهمیت متفاوتی برای آن کشورهاست. بکرمن در مطالعه‌ای که به بررسی همبستگی رتبه‌ای میان فاصله و جریان‌های واردات و صادرات برای کشورهای اروپایی طی سال‌های ۵۳-۱۹۳۸ پرداخت، نشان داد که این ارتباط برای کشورهای کوچک مانند بلژیک قویتر بوده است. این ارتباط همسو با نتایج گیرش برای انگلستان در سطح پایین تری نسبت به سایر کشورها بود.

۲- کشورهای با سطح توسعه انسانی نازل عضو کنفرانس عبارت هستند از: بنگلادش (۱۴۵)، بنین (۱۵۸)، بورکینافاسو (۱۶۹)، چاد (۱۶۶)، جیبوتی (۱۴۹)، کامبیا (۱۶۰)، گینه بیسائو (۱۶۷)، مالی (۱۶۴)، موریتانی (۱۵۲)، موزامبیک (۱۷۰)، نیجر (۱۷۲)، نیجریه (۱۴۸)، پاکستان (۱۳۸)، سنگال (۱۵۴)، سیرالئون (۱۷۳)، سودان (۱۳۹)، اوگاندا (۱۵۰)، توگو (۱۴۱) و یمن (۱۴۴).

۳- به عنوان نمونه، سهم مبادلات میان صنایع مشابه در هفت کشور صنعتی از ۴۹ درصد به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته و در مورد کشورهای تازه صنعتی شده آسیا (کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور) این شاخص از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ بالغ گردیده است.

۴- به ترتیب ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، بلژیک - لوکزامبورگ، سوئیس، آلمان، کانادا، اسپانیا، ایتالیا و سوئد.

۵- به ترتیب چین، مکزیک، هنگ کنگ، برزیل، برمودا، لهستان، سنگاپور، آفریقای جنوبی، شیلی و جمهوری چک.

۶- آذربایجان، بنگلادش، بنین، مصر، گینه بیسائو، گویان، اندونزی، اردن، قزاقستان، کویت، لبنان، مالزی، مالدیو، مراکش، موزامبیک، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، سودان، تونس، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی.

۷- گفتنی است که هرچه اندازه اقتصاد کشوری بزرگتر باشد (نظیر ایالات متحده آمریکا)، انتظار می‌رود اقتصاد آن کشور به‌طور نسبی بسته‌تر باشد و در مقابل، انتظار می‌رود که اقتصادهای کوچک دارای اقتصادهای باز باشند؛ چراکه اقتصاد بزرگ از تنوع و گستره تولید برخوردار است که بخش عظیمی از تولید را جهت مصرف داخلی تولید کرده و به تناسب از حجم بالای تجارت آن کشور کاسته می‌شود. این شرایط برای اقتصادهای کوچک چندان میسر نیست، چراکه بناچار

بخش عظیمی از مصرف داخلی را باید وارد کنند و در مقابل در یک رشته صنعتی دارای مزیت‌های نسبی بالایی هستند.

۸- از آنجا که برای بسیاری از کشورها اطلاعات آماری این شاخص در دسترس نبود، لذا در محاسبات این شاخص بکار گرفته نشده است.

9- Intensity of the Trade Index (ITI)

10 - Propensity to export Intra - and Extra - Regional: Pij

11- Preferential Trade Agreement (PTA)

12-Concentration Index

13- Diversification Index

۱۴- از مقایسه موانع تعرفه‌ای واردات کالاها صنعتی ایران در سال ۱۳۸۲ با موانع تعرفه‌ای کالاها صنعتی کشور مورد بحث در سال ۲۰۰۱ نتیجه می‌شود که کشور ما هم‌ردیف کشور پاکستان، بالاترین سطح (بیک) تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات کالاها صنعتی را بخود اختصاص داده است و این امر ممکن است در کوتاه مدت دیوار حمایت از صنعت را افزایش داده و میزان درآمد دولت را از تعرفه‌های واردات افزایش دهد و اما در میان مدت و بلند مدت سبب خواهد شد رقابت‌پذیری صنعت ملی را کاهش داده و تحریف در تخصیص منابع و عوامل تولید را منجر شود و در نهایت رفاه مصرف‌کننده و رفاه اجتماعی زیان خواهد دید.

منابع:

- ۱- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۹)، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی راه کارهای ایجاد بازار مشترک اسلامی تهران*. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۲- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات همایش گسترش همکاری‌های اقتصادی - بازرگانی بین کشورهای اسلامی تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*.
- ۳- گمرک، *سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران*. سال‌های ۸۰-۱۳۷۶.
4. UNCTAD (2002), Handbook of International Trade and Development Statistics. <http://www.UNCTAD.Org>
5. WB. World Development Indicators, 2002. CD/Rom
6. <http://www.ICM-OIC.Com>
7. <http://www.hcritage.org/search>.
8. IMF (International Monetary Fund) (2003). Direction of Trade Statistics Quarterly. Publication Services, IMF. Washington, DC MARCH 2003, (<http://www.ifm.org>)
9. Lee Sangwoo, (1994) Intra- Industry Trade: Recent Trends and Implications for the Korean Economy. Bank of Korean Economic Review, March 1994.
10. <http://www.world Bank grg/Data/Country Data/...PDF>
11. World Bank. (2003) world Development Report 2002/2003
12. Sheila, Page. (2000), Regionalism among Developing Countries. Macmillan Press Ltd. Overseas Development Institute. London
13. UNCTAD, (2002), World Investment Report, 2002.
14. UNDP, HDR, 2002